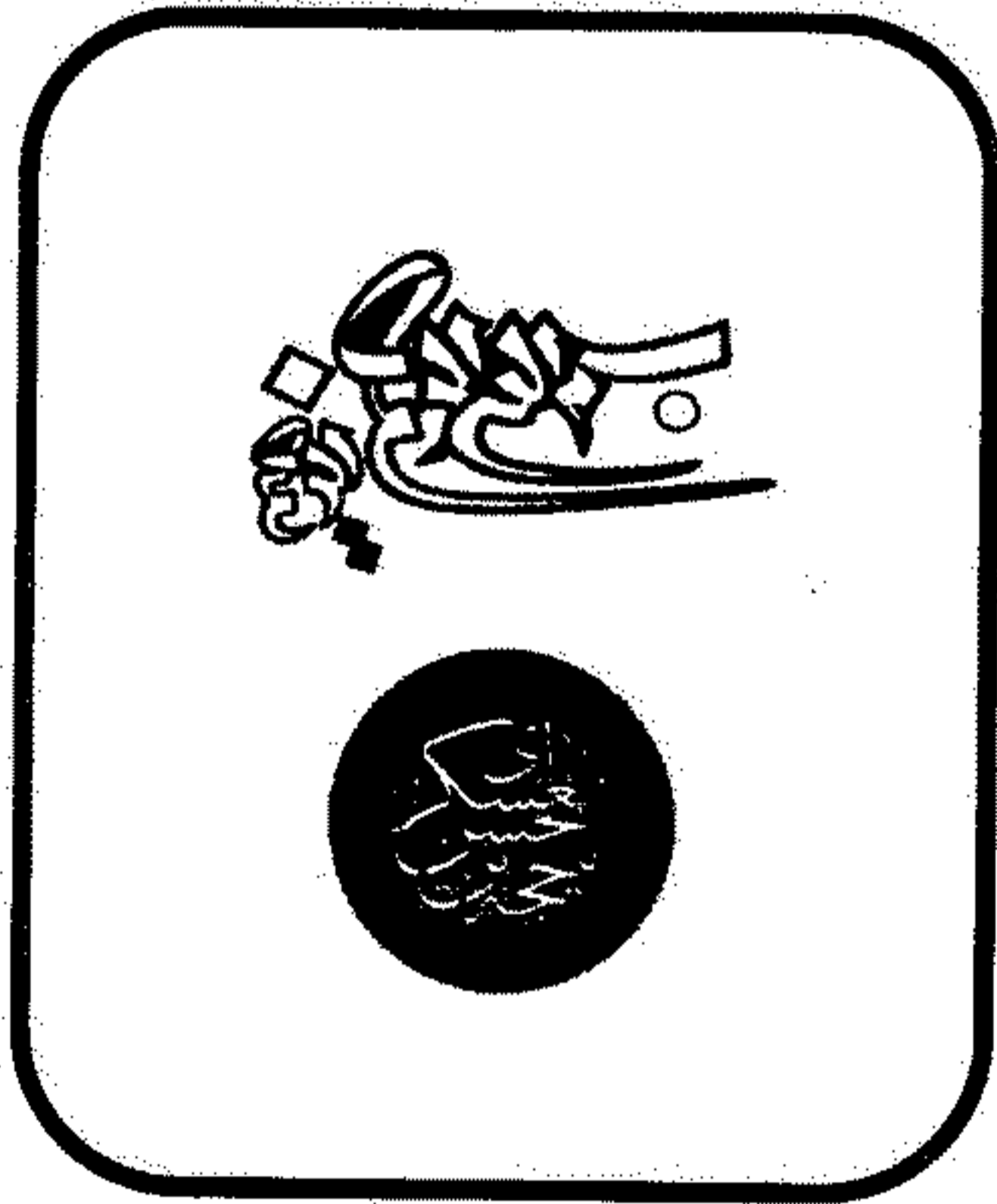
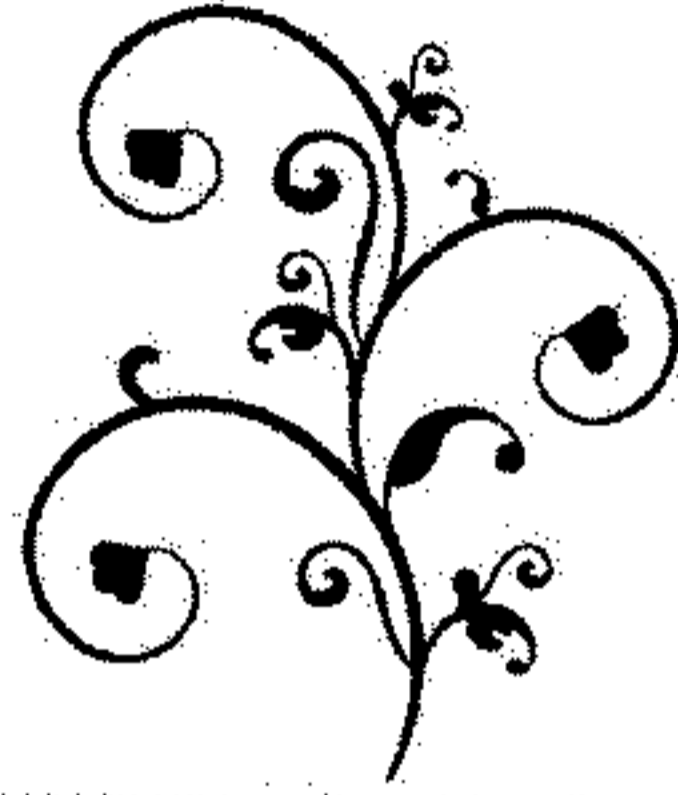




گروه تحقیق و تالیف خادم الرضا (علیه السلام)



امید منتظران/تألیف: گروه تحقیق و تألیف انتشارات خادم الرضا علیه السلام - قم:
خادم الرضا علیه السلام، ۱۳۸۹.

ISBN 978-964-2590-83-4

۱۲۸ ص.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیما.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. مهدویت - انتظار. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - غیبت.
۳. دعاها. الف. انتشارات خادم الرضا علیه السلام. گروه تحقیق و تألیف.

۲۹۷/۴۶۲

الف / ۴ / ۲۲۴ BP



قم / خیابان صفائیة / کوچه شماره ۲۸ / نبش کوی شهید گلدوست / پلاک ۲۸۴
تلفن: ۷۷۳۶۱۶۵ - ۷۷۴۲۱۴۲ - ۰۲۵۱ - همراه: ۰۹۱۲۵۵۱۷۲۵۸

امید منتظران

تألیف: گروه تحقیق و تألیف خادم الرضا علیه السلام ■ ناشر: انتشارات خادم الرضا علیه السلام
ویراستار: محمدحسن استادی مقدم ■ صفحه آرای: مرتضی فتح الهی
چاپ: عمران ■ نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۸۹ ■ شمارگان: ۵۰۰۰
بها: ۱۹۰۰ تومان

شابک: ۴ - ۸۳ - ۲۵۹۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸
جميع حقوق برای انتشارات خادم الرضا علیه السلام محفوظ است.

مرکز بخش:

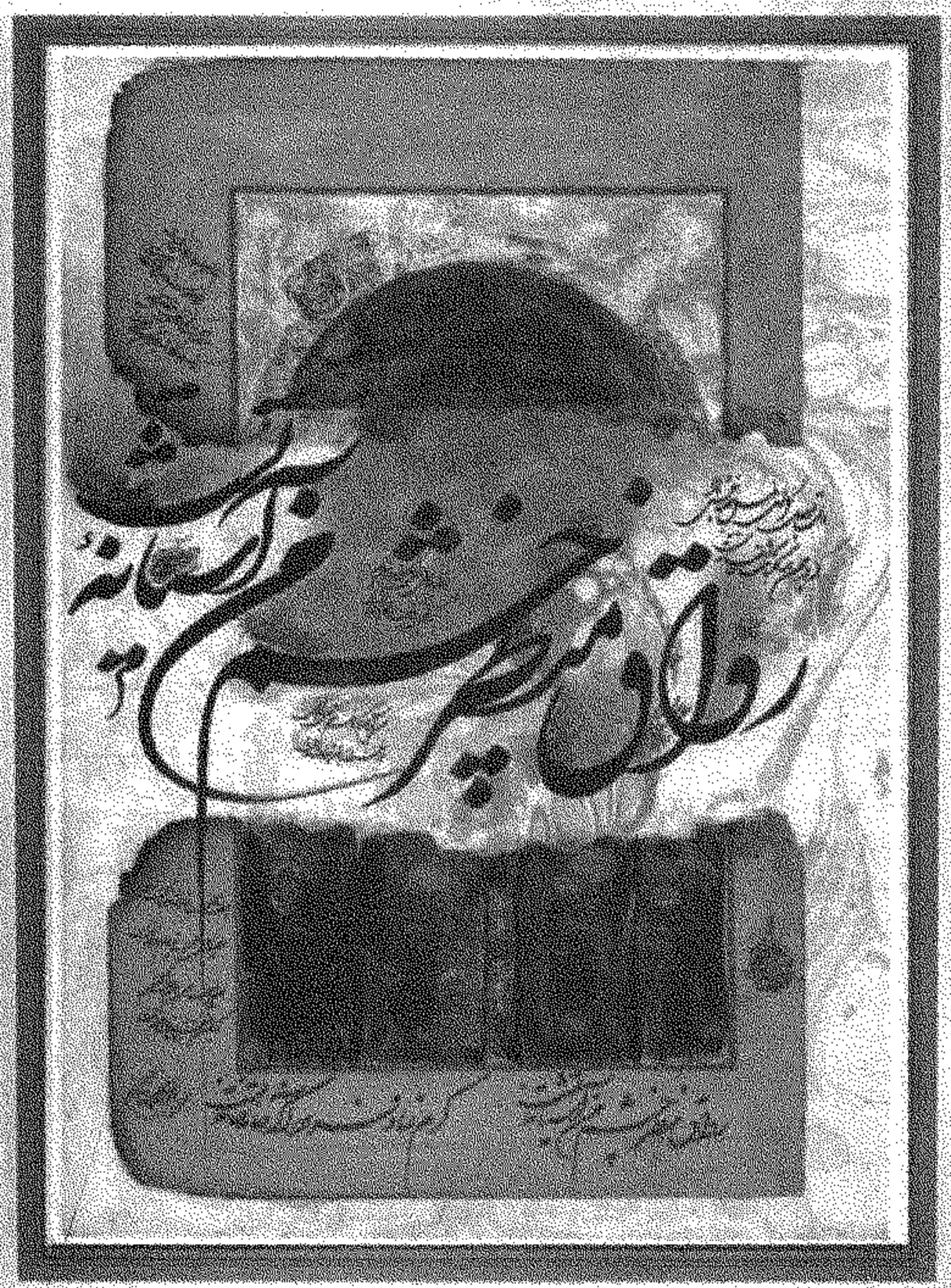
ستاد اجرایی طرح توسکا (مجری توزیع سراسری کتاب ایران)

تلفن: ۷۷۳۶۱۶۵ - ۷۷۴۲۱۴۲ - ۰۲۵۱ - همراه: ۰۹۱۲۲۵۱۳۶۸۹



امید منظران

کروه تحقیق و تالیف خادم الرضا (علیه السلام)



فهرست مطالب

مقدمه..... ۹

فصل اول

گل نرگس / ۱۳

تولد نور..... ۱۵

دوران شیرخوارگی..... ۱۹

آغاز غیبت..... ۲۰

فصل دوم

غیبت خورشید / ۲۱

آغاز عصر غیبت..... ۲۳

فلسفه‌ی غیبت..... ۲۵

۱. امتحان..... ۲۷

- ۲۸ ۲. اتمام حجت
- ۲۹ ۳. تهدید به قتل
- ۳۰ فواید حضرت ولی عصر علیه السلام در زمان غیبت
- ۳۱ ۱. امیدبخشی
- ۳۲ ۲. امنیت
- ۳۳ ۳. گره‌گشایی
- ۳۵ ملاقات با حضرت در دوران غیبت

فصل سوم

انتظار و متظران واقعی / ۳۹

- ۴۱ مفهوم انتظار حقیق
- ۴۶ وظایف متظران حقیقی
- ۴۶ ۱. شناخت امام
- ۴۸ ۲. یاد امام زمان (عج)
- ۵۰ ۳. محبت امام (عج)
- ۵۲ ۴. انتظار فرج
- ۵۴ ۵. دعا برای محبوب

فصل چهارم

دوران ظهور / ۵۹

- ۶۱ ویژگی‌های مهم عصر ظهور
- ۶۳ تحولات عصر ظهور

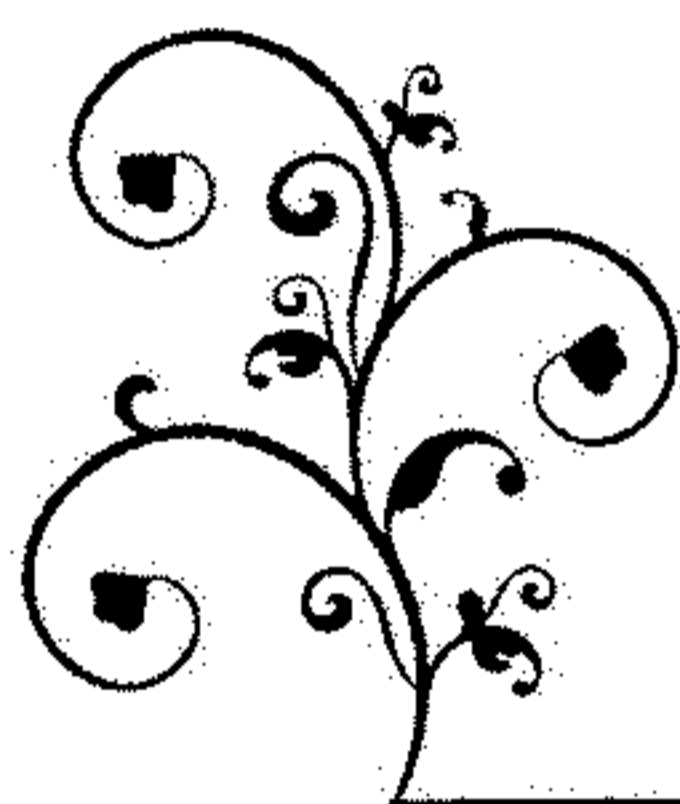
۱. حاکمیت عدالت ۶۳
۲. حکومت جهانی شیعه ۶۵
۳. انتقام از دشمنان ۶۶
۴. گسترش دین داری ۶۹
۵. دعوت به اسلام حقیقی ۷۰
۶. تطهیر انسان و جهان از زشتی ها ۷۲
۷. وحدت حقیقی ۷۴
۸. امنیت همه جانبه ۷۶
۹. سلامت کامل ۷۷
۱۰. بی نیازی ۷۸
۱۱. وفور نعمت ۷۹
۱۲. احیای معنوی زمین ۸۰
۱۳. رشد علمی ۸۱
۱۴. رشد عقلی ۸۲
۱۵. عنایات ویژه ی الهی ۸۴
۱۶. شکل گیری دوستی های خالصانه ۸۵
۱۷. خارج شدن گنج های زمین ۸۶
- یاوران قیام ۸۷
- قم قبل از ظهور ۸۹
- قیام خراسانی ۹۴
- ویژگی های یاران حضرت مهدی (عج) ۹۵
۱. جوانی ۹۵

- ۹۷ ۲. معنویت
- ۹۸ ۳. شهادت طلبی
- ۹۹ ۴. اقتدار
- ۱۰۰ ۵. بهره‌مندی ممتاز از علوم
- ۱۰۱ ۶. موقعت بی نظیر

فصل پنجم

دعا برای تعجیل فرج / ۱۰۳

- ۱۰۵ دعای فرج (الهی عظم البلاء)
- ۱۰۷ دعای بعد از نماز صبح
- ۱۰۹ دعای عهد
- ۱۱۶ زیارت آل یاسین
- ۱۲۲ سوالات گزینه‌ای
- ۱۲۸ پاسخنامه



مقدمه

فکر و اندیشه درباره‌ی فرا رسیدن روزگار پرشکوه حکومت
خاندان وحی علیه السلام که جهان و جهانیان را از فروغ تابناک ولایت الهی
روشن می‌نماید و همگان را با رشد و جهش فراگیر به سوی
برترین‌ها رهنمون می‌شود، بسی سرور آفرین و حیات‌بخش است.
روزگاری که نشانی از فقر و تنگدستی، زور و تزویر و پستی در
صحنه‌ی گیتی وجود ندارد و پرچم عدالت و انسانیت در سراسر
جهان هستی به اهتزاز در می‌آید.

روزگاری که خرسندی و خوشنودی، همه‌ی مردمان جهان را
فرامی‌گیرد؛ به گونه‌ای که هیچ فرد ناراضی از حکومت وجود

نخواهد داشت و جامعه‌ی بشری در آن زمان از حکومت عدل الهی آن حضرت خشنود و خوشحالند، و در کمال خرسندی به حیات تازه و زندگی پیشرفته‌ای که سراسر جهان را در آن زمان فرا می‌گیرد، ادامه می‌دهند.

در حکومت جهانی حضرت بقیة الله (اروحنا فداه) آن چنان بساط شادی گسترده می‌شود که حتی گفتگو درباره‌ی آن روزگار، آدمی را به نشاط می‌آورد و خاطره‌های رنج‌آور و تلخ را - اگر چه برای مدتی کوتاه - به دست فراموشی می‌سپارد.

آشنا شدن با ویژگی‌های روزگار پرشکوه ظهور، آن چنان قلب‌های پاک‌طیبتان و افکار انسان‌های اصیل را جذب می‌نماید که برای فرارسیدن آن عصر فرخنده، لحظه‌شماری می‌کنند و با قلبی آکنده از مهر و صفا، خواستار هر چه زودتر فرا رسیدن آن روزگار فرخنده از خداوند مهربان می‌شوند.

آنان می‌دانند با تشکیل حکومت الهی حضرت مهدی (اروحنا فداه) و به قدرت رسیدن دولت فاطمی، دیگر غم به خانه‌ای راه نخواهد یافت و اشک کودکان یتیم در دامن مادران نخواهد ریخت؛ در آن زمان خون انسان‌های ستم‌دیده، صحنه‌ی گیتی را رنگین نخواهد نمود و کودکان بی‌گناه با پیکر بی‌روح پدران خود رو به رو نخواهند گشت. و در آن زمان...

به راستی ای برادر و ای خواهر!

مادری که در انتظار آمدن جوانش هست، آینا آرامش و خواب

دارد و از فکر او غافل است؟ یا پیوسته خبر می گیرد، دعا می کند و از خانه بیرون می آید و با خود می گوید: چرا نیامد؟ چه کنم زودتر برسد و امیدم محقق گردد؟!

بیماری که انتظار بهبود و رسیدن به سلامت را دارد، آیا تسلیم دردها و میکروب‌ها می شود و می نشیند، یا می کوشد پزشک متخصص بیاید، دارو و غذای مناسب و به موقع مصرف نماید و به هر قیمتی خود را درمان کند؟!

آیا عاشق و مشتاق، برای دیدار دلدار، دل به خواب می دهد یا پیوسته در اندیشه‌ی او، در به در، در هر کوی و برزن محبوبش را جستجو می کند؟ یا به قول مجنون، وقتی صحرا گردی او را در بیابان دید که با ریگ‌ها بازی می کند؛ پرسید: مجنون سرگردان چه می کنی؟ گفت: «چون میسر نیست بر من کام او؛ عشق بازی می کنم با نام او».

حتی به سراغ توسل و نذر و نیاز می رود تا معشوق را بیابد. آیا میزبانی که در انتظار آمدن میهمان عزیزی است (که قبلاً هم خبرها داده‌اند که او می آید) بی توجه و غافل می گردد؟ یا حداقل آب و جارو و نظافت نموده، غذا و وسیله‌ی پذیرایی تهیه می کند، سر و وضع خود و خانواده‌اش و اتاق و حیاطش را به گونه‌ای ترتیب می دهد که میهمانش شادمان شود، نه نگران و ناراحت؟ آیا سربازی که در انتظار آمدن قطعی فرمانده است، تا هر لحظه از راه برسد و فرمان حرکت و آتش صادر کند، بدون پوشیدن لباس

رزم به خواب می‌رود، یا با آمادگی و تجهیزات کامل چشم به راه
اوست؟

آیا این همه روایات در باب فضیلت و پاداش برای انتظار فرج،
فقط برای کسی است که به امیدوار و خوش‌بین بودن به آینده و
فردایی روشن اکتفا می‌کند؟ یا انتظار مصلح جهانی به معنای
آماده‌باش کامل فکری، اخلاقی و عملی است؟



فصل اول

کل نرکس

تولد نور

در نیمه‌ی شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری تحولی شگرفت در عالم خلقت روی داد و آخرین نور از انوار بلند مرتبگان عالم وجود، از عرش بر فرش زمین فرود آمد، تا این کره‌ی خاکی را مهبط فرشتگان و محلّ عروج صالحان کند.

این سفر عرشی، چهاردهمین سفری بود که با انجام آن، سلسله سفرهای آسمانی به پایان رسید و این بار طاووس بهشت با همه‌ی زیبایی‌ها و شکوهی که داشت، از بام عرش الهی پر کشید و برای مأموریتی عظیم بر بام خانه‌ی آدمیان نشست، تا دامن زمین را جایگاه پرواز آنان سازد.

این نور الهی، همان کسی بود که تمام انبیا و اولیای خدا در

همه‌ی لحظه‌های تاریخ، انتظار او را می‌کشیدند؛ نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد ﷺ چشم به راه دوخته بودند تا تمامی آمال و آرزوهای مقدسشان راه که همان پاکی زمین از لوث کفر و شرک و گناه بود، عملی سازد و توحید و ولایت را زینت جان ساکنان زمین گرداند. این امیدبخش دل‌های پاک پیامبران و اولیای خدا، کسی جز حضرت مهدی (عج) نیست.

هر حجّت الهی که آمد و به خواست توحیدی خود بر زمین دست نیافت، دل خوش داشت که روزی آخرین ذخیره‌ی الهی خواهد آمد و غنچه‌های آرزوی آن‌ها را شکفته خواهد کرد و زمین را به ذکر و نور خدا آباد خواهد نمود.

حکیمه خاتون - دختر امام جواد ﷺ و عمه‌ی امام حسن عسکری ﷺ - کیفیت و چگونگی ولادت حضرت مهدی (عج) را چنین نقل می‌کند:

امام حسن عسکری ﷺ کسی را به دنبال من فرستادند که امشب (نیمه‌ی شعبان) برای افطار نزد من بیا، چون خداوند امشب حاجتش را بر من آشکار می‌کند.

پرسیدم: این مولود از چه کسی است؟

آن حضرت فرمودند: از نرجس.

عرض کردم: من در نرجس خاتون هیچ اثر حمله‌ی مشاهده

نمی‌کنم!

حضرت فرمودند: موضوع همین است که گفتم.

من در حالی که نشسته بودم، نرجس آمد و کفش مرا از پایم درآورد و گفت: بانوی من! حالتان چگونه است؟

گفتم: تو بانوی من و خانواده‌ام هستی.

او از سخن من تعجب کرد و ناراحت شد و گفت: این چه سخنی است؟

گفتم: خداوند امشب به تو فرزندی عطا می‌کند که سرور و آقای دنیا و آخرت خواهد شد.

نرجس خاتون از سخن من خجالت کشید.

بعد از افطار، نماز عشا را به جای آوردم و به بستر رفتم. چون پاسی از نیمه شب گذشت، برخاستم و نماز شب خواندم. بعد از تعقیب نماز به خواب رفتم و کمی بعد دوباره بیدار شدم. در این هنگام، نرجس نیز بیدار شد و نماز شب را به جا آورد. سپس از اتاق بیرون رفتم. از طلوع فجر که باخبر شدم، دیدم فجر اول طلوع کرده و نرجس در خواب است. ناگاه این سؤال به ذهنم خطور کرد که چرا حجت خدا آشکار نشد!

نزدیک بود شکی در دلم ایجاد شود، که ناگهان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام از آن اتاق فریاد زدند: «ای عمه! شتاب نکن که موعد نزدیک است.»

من نیز نشستم و سوره‌های «سجده» و «یاسین» را خواندم. هنگامی که مشغول خواندن قرآن بودم، ناگهان نرجس خاتون از خواب بیدار شد. من با شتاب خودم را به او رساندم و پرسیدم:

چیزی احساس می‌کنی؟

نرجس گفت: آری.

گفتم: نام خدا را بر زبان جاری کن؛ این همان موضوعی است

که اول شب به تو گفتم؛ مضطرب نباش و دلت را آرام کن.

در این هنگام، پرده‌ی نوری میان من و او کشیده شد. ناگاه

متوجه شدم که کودک ولادت یافته است.^۱

حضرت مهدی علیه السلام مانند اجداد معصوم خود، پس از به دنیا آمدن،

شهادتین را بر زبان جاری ساخته، رو به قبله به سجده افتاده، فرمودند:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ جَدِّي رَسُولُ

اللَّهِ وَأَنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَصِيَّ رَسُولِ اللَّهِ»

گواهی می‌دهم به یگانگی خدای بی‌همتا و رسالت

محمد صلی الله علیه و آله و امامت پدرم امیر مؤمنان علیه السلام.

سپس آن حضرت یک یک امامان را نام بردند، تا به خود رسیده،

فرمودند:

«اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَأَتِّمِّمْ لِي أَمْرِي وَثَبِّتْ وَطَانِي وَأَمْلَأْ

الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَقِسْطًا»

خدایا! به وعده‌ی خود درباره‌ی ظهور من وفا کن و

امر امامت و خلافت را بر من تمام گردان و زمین را

به وسیله‌ی من پر از عدل و داد نما.^۲

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۹؛ نوادرالانوار، ص ۲۱۵.

۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۶.

چون امام حسن عسکری علیه السلام نور چشم خود را در آغوش گرفتند، فرمودند: فرزندانم! سخن بگو؛ و ایشان این آیه را تلاوت فرمودند:

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱

این آیه اشاره به داستان حضرت موسی علیه السلام است که در قرآن آمده و خداوند در آن وعده داده است که ستمگران جهان را نابود کند و اداره‌ی جهان را به دست پاکفایت بندگان صالح خدا بسپارد. این آیه از نمونه آیاتی است که درباره‌ی حضرت مهدی (عج) و حکومت ایشان بیان شده است.

دوران شیرخوارگی

امام مهدی (عج) بعد از تولد مبارک خویش، از سینه‌ی مادر گرامی‌اش شیر خورده، با شیر پاک آن بانوی عزیز، رشد و نمو می‌کردند. پدر نیز طبق سنت، در گوش راست او اذان و در گوش چپ اقامه خوانده، او را «محمد» نامیدند؛ و تولد او را از مردم مخفی می‌داشتند، و جز عده‌ی بسیار اندکی، کسی از تولد آن مولود خبردار نشد.

یکی از اصحابی که از تولد وجود نازنین امام علیه السلام خبر داده است، ابوبصیر خادم است که می‌گوید: خدمت آن جناب در حالی که درون گهواره بودند، رفتم و سلام کردم. حضرت فرمودند: مرا می‌شناسی؟

گفتم: آری؛ شما بزرگ و سید من و فرزند امام من هستید.
حضرت فرمودند: «من خاتم اوصیا هستم، و خداوند به وسیله‌ی
من بلا را از دوستان و شیعیان من دور خواهد کرد.»^۱

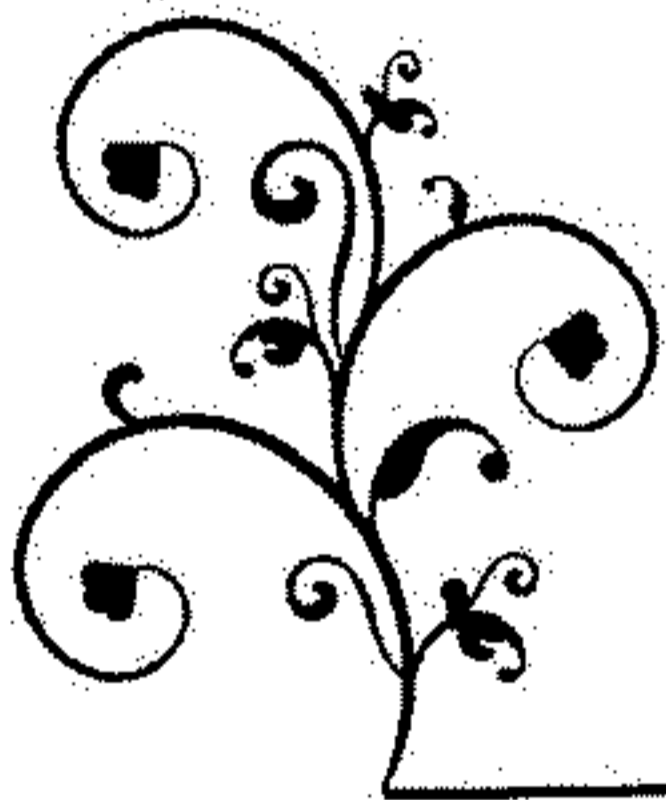
آغاز غیبت

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در ماه ربیع الاول سال
۲۶۰ هـ.ق، امام زمان علیه السلام که پنج سال پیش‌تر نداشتند، آمدند و بر پیکر
پدر نماز خواندند. بسیاری از مردمی که تا آن لحظه خبر از ولادت
آن حضرت نداشتند، یا اطمینان حاصل نکرده بودند، متوجه تولد
ایشان شدند.

از طرفی عده‌ای که رابطه‌ی خوشی با آن بزرگوار نداشتند، و از
جمله «جعفر کذاب» - عموی امام مهدی علیه السلام که داعیه‌ی جانشینی
امام عسکری علیه السلام را داشت - ماجرا را خبر داده، دستگاه خلافت برای
دستگیری و کشتن حضرت سریعاً اقدام کرده، و نیروهای را به
خانه‌ی امام عسکری علیه السلام اعزام نمود.

اما از آن‌جا که خداوند اراده کرده بود که آخرین حجت خود را
حفظ کند، آن حضرت را از دیدگان دشمنان پنهان داشت و هرچه
جست‌وجو کردند و خانه را زیر و رو نمودند، ایشان را نیافتند.

۱. کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۹۹.



فصل دوم
غیبت خورشید

آغاز عصر غیبت

غیبت پر رمز و راز حضرت مهدی (عج) که همان پنهان شدن از چشم دیگران بود، در دو مرحله انجام گرفت. مرحله‌ی اول که از تاریخ تولد او در سال ۲۵۵ هجری قمری و یا از تاریخ شهادت پدر بزرگوارش در سال ۲۶۰ آغاز گردید، غیبت کوتاه (صغری) نامیده می‌شود، که تا سال ۳۲۹ به طول انجامید. در این مدت، اگرچه مردم او را نمی‌دیدند، اما ارتباط آن‌ها به طور کامل قطع نبود و نایبان خاص آن حضرت به محضر او می‌رسیدند و نیازهای مردم را به برکت وجود او برطرف می‌ساختند. غیبت صغری با زمینه‌سازی‌های قبلی به وسیله‌ی امام دهم و یازدهم آغاز گردید. آن‌ها ارتباط خود را به تدریج با مردم کاهش

دادند و تا حد زیادی روابط مکاتبه‌ای را جایگزین ارتباط حضوری کردند، تا با فرا رسیدن عصر غیبت، مردم حیران نشوند. امام زمان (عج) هم یک‌باره، غیبت کامل خود را به مرحله‌ی اجرا نگذاشتند، بلکه آن را به صورت تدریجی آغاز کردند. اگرچه در شروع عصر غیبت، مشاهده‌ی امام (عج) جز برای نواب خاص آن حضرت امکان‌پذیر نبود، اما ارتباط غیرمستقیم ایشان با مردم استمرار داشت و آن‌ها نمی‌توانستند به واسطه‌ی نایبان خاص آن حضرت، با او ارتباط داشته باشند. این وضعیت قریب به هفتاد سال ادامه یافت، تا غیبت کبری آغاز گردید.

در حقیقت، محدودیت ارتباط امام دهم و یازدهم، زمینه‌ساز غیبت صغری گردید و غیبت صغری، زمینه‌ساز غیبت کبری شد و غیبت کبری، زمینه‌ساز ظهور مهدی آل محمد است. با فرا رسیدن غیبت کبری، باب مکاتبات و سخنان با واسطه‌ی امام زمان (عج) بسته شد و دیگر کسی به عنوان نایب خاص معرفی نگردید، بلکه در یک سخن کلی که از سوی آن حضرت صادر شد، به شیعیان خود فرمودند:

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى زُرَّاءِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»^۱

در حوادثی که برای شما پیشامد می‌کند، به راویان حدیث مراجعه کنید. به راستی که آن‌ها حجت من بر

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱.

شما هستند و من حجّت خدا بر آنها می باشم.
در عصر غیبت کبری که شیعیان از امام خود دور شدند و عملاً
ارتباط خود را با او از دست دادند، سختی‌هایی پدید آمد و این
خود به امتحانی بزرگ تبدیل شد.

فلسفه‌ی غیبت

غیبت ولی عصر (عج) از اموری است که بر اساس حکمت‌های
الهی صورت گرفته است؛ چه آن حکمت‌ها را بدانیم یا ندانیم،
و یا اجازه‌ی دانستن آنها را داشته یا نداشته باشیم. از روایات
استفاده می‌شود که غیبت، حکمت‌های مختلفی دارد؛ بعضی از
آنها ذکر شده، اما برخی از آنها نه تنها بیان نشده‌اند، بلکه در
روایاتی تصریح شده است که مصلحت نیست کسی از آنها آگاهی
یابد.

عبدالله بن فضل هاشمی می‌گوید: از جعفر بن محمد رضی الله عنه شنیدم
که فرمودند: برای صاحب این امیر غیبتی است که حتماً پیش
خواهد آمد و اهل باطل در آن به تردید می‌افتند.

عرض کردم: چرا چنین غیبتی پیش خواهد آمد؟

فرمودند: به دلیل چیزی که ما اجازه‌ی بیان آن را نداریم.

عرض کردم: پس چه حکمتی در غیبت اوست؟

حضرت فرمودند:

«حکمت آن همان حکمتی است که در غیبت

حجّت‌های الهی گذشته بوده است. حکمت غیبت او کشف نمی‌گردد، مگر بعد از آن که ظهور کند؛ همان‌گونه که حکمت کارهای خضر از سوراخ کردن کشتی، کشتن کودک و ساختن دیوار برای موسی کشف نگردید، مگر هنگام جدایی او از موسی علیه السلام ای عبدالله بن فضل! این امر یک امر الهی و سرّی از اسرار خدا و غیبتی از امور غیبی اوست و وقتی ما دانستیم که او حکیم است، می‌پذیریم که همه‌ی افعال او بر اساس حکمت است؛ اگرچه علت آن برای ما روشن نباشد.^۱

همچنین حضرت مهدی (عج) در توقیع خود به اسحاق بن یعقوب فرمودند:

«اما درباره‌ی علتی که غیبت برای آن واقع شد، خدای عزوجل می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزی سؤال نکنید که اگر برای شما آشکار شود، شما را ناراحت می‌کند.»^۲

از روایاتی که بیان شد، معلوم می‌گردد علت اصلی غیبت برای ائمه علیهم السلام معلوم است، اما فهم آن به مصلحت مردم نیست. در عین حال به برخی از حکمت‌های غیبت اشاره

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۱.

۲. کمال‌الدین، ص ۴۸۵؛ مانند، ۱۲.

شده است که به آنها می‌پردازیم.

۱. امتحان

یکی از سنت‌های الهی، امتحان بندگان خداست. این سنت در امت‌های گذشته بوده و در امت اسلامی هم جاری است. امتحان‌های الهی برای این است که سعادت و شقاوت انسان‌ها از روی دلیل باشد. با امتحان است که مراتب خوبی و بدی مردم آشکار می‌گردد و خداوند بر اساس آن با آنان رفتار می‌کند. از جمله آزمایش‌های الهی که برای امت‌های گذشته بوده است و برای امت اسلامی هم تکرار می‌شود، غیبت حجّت خداست.

جابر می‌گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: فرج شما چه هنگام خواهد بود؟

فرمودند:

«هیهات، هیهات لایکون فرجنا حتی تُغربلوا ثم تُغربلوا ثم تُغربلوا حتی یذهب الکیدر و یرقی الصفو»^۱

دور است و دور است؛ فرج ما پیش نخواهد آمد؛ تا این که غریبال شوید، باز غریبال شوید و باز هم غریبال شوید، تا این که ناخالصی برود و صافی باقی بماند.

و امام کاظم علیه السلام فرمودند:

«برای صاحب این امر امتحانی است، تا جمعی از

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳.

کسانی که به آن اعتقاد دارند، برگردند. غیبت، امتحانی
از سوی خدای عزوجل است که خلقش را به آن
می‌آزماید.»^۱

۲. اتمام حجت

بدون شک، حکومتی برتر و شایسته‌تر از حکومت آل محمد علیهم‌السلام
روی زمین نخواهد بود؛ تنها آن‌ها هستند که می‌توانند حکومت
کاملاً عادلانه و مورد رضای خدا و مردم را برقرار کنند، اما این
حقیقت برای همه معلوم نیست و عده‌ای معتقدند که می‌توانند با
تکیه بر افکار بشری، حکومتی پدید آورند که به حاکمیت حق و
عدالت بینجامد. حال برای آن‌ها که ثابت شود غیر از آل محمد و غیر
از راه و رسم آن‌ها، کسی نمی‌تواند حکومت کاملاً عادلانه و
حق‌طلبانه داشته باشد، خدای تعالی این فرصت را برای بشر فراهم
آورد، تا همه‌ی افکار و اندیشه‌های سیاسی و حکومتی و اصناف
مختلف مردم به حاکمیت دست یابند و ضعف آن‌ها آشکار گردد،
آن‌گاه حجت خدا ظهور کند و به حق و عدالت جامه‌ی عمل
پوشانند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

«مَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى لَا يَبْقَى صِنْفٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا وَقَدْ
وَلَّوْا عَلَى النَّاسِ حَتَّى لَا يَقُولَ قَائِلٌ إِنَّا لَوْ وَلَّيْنَا لَعَدَلْنَا ثُمَّ يَقُومُ

القائم بِالْحَقِّ وَ بِالْعَدْلِ»^۱

ظهور تحقق نمی‌یابد، تا این که گروهی نماند مگر این که بر مردم حکومت کرده باشد، تا کسی نگوید اگر ما حکومت داشتیم، به عدالت رفتار می‌کردیم؛ آن‌گاه قائم به حق و عدل قیام می‌کند.

۳. تهدید به قتل

امام مهدی (عج) حجت خداست و باید باقی بماند تا زمین از حجت خدا خالی نشود. اگر او آخرین وصی رسول خدا ﷺ نبود، ضرورتی بر غیبت او وجود نداشت و چنانچه به شهادت می‌رسید، با وجود امام پس از او، زمین از حجت برخوردار بود، اما با توجه به این که او آخرین امام و حجت الهی است و با وجود شرایط سیاسی زمان، او قطعاً به شهادت می‌رسید، غیبت او یک ضرورت بود که صورت گرفت.

در روایات متعددی آمده است که مهدی ﷺ فرزند امام حسن عسکری ﷺ است و او خواهد آمد و حاکمان ظغیانگر را از میان خواهد برد و حکومت حق و عدل را به پا خواهد کرد. از این رو حاکمان ستمکار زمان ائمه، حساسیت شدیدی نسبت به امام معصوم داشتند و بلکه نابودی آنها را در سر می‌پروراندند، تا مهدی ﷺ که وعده‌ی آمدن او داده

۱. همان، ج ۵۲، ص ۲۴۴.

شده بود، پا به عرصه‌ی وجود نگذارد.

بر همین اساس بود که ائمه را می‌کشتند؛ در حالی که می‌توانستند آنها را در محدودیت دیگری قرار دهند. البته وقتی به زمان امامت او نزدیک شدند، وحشت بیش‌تری وجود آنها را فرا گرفت و برای همین بود که خلفای ستمکار عباسی، امام حسن عسکری علیه السلام را به سامره آوردند تا او را تحت کنترل بیش‌تری قرار دهند و مهدی موعود (عج) را به هنگام تولد و حتی قبل از آن، در شکم مادر به قتل برسانند، تا حکومت جبّاران از سوی او تهدید نگردد و مشکل بزرگ آنها برای همیشه حل شود. با این شرایط بود که خدای متعال او را از دیده‌ها غایب کرد و حجّت خود را از کشته شدن حفظ نمود، تا روزی او را حاکم زمین گرداند.

فواید حضرت ولی عصر علیه السلام در زمان غیبت

تشبیه زیبایی در احادیث آمده است که فایده‌ی امام غایب را به بهترین شکل بیان می‌کند. جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید:

آیا شیعه در زمان غیبت از وجود قائم بهره‌مند می‌باشد؟
حضرت فرمودند:

«قسم به کسی که مرا به نبوت برانگیخت، آنها از وجود او بهره‌مند می‌شوند و به نور ولایتش روشنی می‌گیرند؛ همان‌گونه که مردم از خورشید پشت ابر

بهره می گیرند»^۱

امام مهدی (عج) نیز در جواب اسحاق بن یعقوب که سؤال کرده بود: چگونه از امام غایب بهره مند می شویم، فرمودند:

«اما بهره مندی از من در زمان غیبتم، همانند بهره مندی از خورشید است، وقتی ابر نور آن را از چشم‌ها پنهان کند»^۲

خورشید دارای دو نورافشانی مستقیم و غیرمستقیم است. در تابش غیرمستقیم، ابرها مانند شیشه‌ی مات، نور مستقیم خورشید را از خود عبور می دهند و در نتیجه به موجودات زنده می رسد. غایب بودن خورشید در پشت ابرها، غیر از نبودن آن است. اگر خورشید نباشد، همه جا تاریک است، اما با وجود خورشید در پس ابرها، همه جا روشن است و خورشید فواید خود را از پشت ابرها به موجودات می رساند. با ذکر این تشبیه جامع، به برخی از فواید امام غایب (عج) می پردازیم.

۱. امیدبخشی

شیعه به دلیل عقیده‌ای که به وجود امام زنده‌ی خود دارد، اگرچه او را نمی بیند، اما احساس تنهایی هم ندارد و همواره چشم امید به آن عزیزی دارد که وعده‌ی ظهورش داده شده است. شیعه منتظر است و انسان منتظر، امیدوار است و کسی که امیدوار باشد،

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۳.

۲. همان، ص ۹۲.

فَعَالٍ و بانشاط است و از هر گونه کسالت، افسردگی و دل‌مردگی به دور خواهد بود.

۲. اَمْنِیَّت

زمین همواره باید از حَجَّت خدا برخوردار باشد تا وضعیت عادی خود را طی کند، وگرنه امنیت آن از میان می‌رود. این حقیقت در روایات زیادی بیان شده است که ما به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«از زمانی که خداوند آدم را آفرید، زمین از حَجَّت خالی نشده است، چه آشکار و شناخته شده و چه نهان و پوشیده، و تا قیامت هم از حَجَّت الهی خالی نخواهد شد. اولین انسانی که آفریده شد، حَجَّت خدا بود و از آن پس همواره زمین از حَجَّت خدا خالی نبوده است. بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله همه ی ائمه علیهم السلام حَجَّت‌های خدا بر روی زمین بوده‌اند.»

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«لَوْ بَقِیَّتِ الْأَرْضُ بِغَیْرِ إِمَامٍ سَاعَةً لَسَاخَتْ»^۱

اگر زمین ساعتی بدون امام بماند، از هم فرو می‌پاشد.

و امام سجاده علیه السلام فرمودند:

«ما کسانی هستیم که خداوند به برکت ما آسمانی را از

فرو افتادن بر زمین حفظ می‌کند و تعادل زمین را تضمین می‌نماید، تا به اهلش آسیب نرساند و به برکت ما باران می‌بارد و رحمت خدا گسترش می‌یابد و برکات زمین سر بر می‌آورد. اگر کسی از ما در زمین نباشد، زمین اهل خود را فرو می‌برد.^۱

اکنون حجت خدا بر روی زمین، حضرت مهدی علیه السلام است که به زمین امنیت بخشیده است؛ همچنان که فرمودند:

«إِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ»^۲

من مایه‌ی امنیت اهل زمین هستم.

۳. گره‌گشایی

یکی دیگر از فواید امام غایب، گره‌گشایی مادی و معنوی و علمی از مؤمنان است. هر مؤمنی می‌تواند با توسل به وجود مبارک آن حضرت، از او بخواهد از مشکلاتی که دارد، گره‌گشایی کنند؛ همچنان که محدث خبیر، حاجی نوری می‌گوید:

«اغاثه و فریادرسی درماندگان از مناصب الهیهی آن

جناب است.»^۳

یکی از شیعیان امام زمان (عج) ابوراجح است. او سرپرست یکی از حمام‌های عمومی شهر حله بود و بسیاری از مردم او را

۱. همان، صص ۵-۶.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۹۲.

۳. نجم الثاقب، باب نهم، ص ۵۷۲.

می‌شناختند. در آن زمان، حاکم شهر حله فردی به نام «مرجان صغیر» بود. روزی به او خبر دادند که ابوراجح به بعضی از صحابه‌ی پیامبر ﷺ بدگویی می‌کند. حاکم، او را احضار کرد و دستور داد او را کتک بزنند. مأموران به اندازه‌ای ابوراجح را زدند که نزدیک بود جان دهد. ضربه‌هایی به صورت او زدند که دندان‌هایش کنده شد، و زبانش را از دهان بیرون آوردند و با جوالدوز سوراخ کردند، و بینی‌اش را بریدند و با وضع بدی او را بستند و در خیابان‌های حله گردانند و آن‌قدر مورد ضرب و جرح قرار گرفت که بر زمین افتاد و مرگ را مشاهده کرد.

سرانجام حاکم را از رفتاری که با ابوراجح داشتند، آگاه کردند؛ او هم دستور داد ابوراجح را به قتل برسانند. اطرافیان حاکم گفتند: او پیرمرد کهنسالی است و به اندازه‌ی کافی با وی برخورد شده است؛ او را رها کن تا خود بمیرد و شما در خونش شریک نباشی. با اصرار فراوان آن‌ها، حاکم از قتل او گذشت، اما وضع او به گونه‌ای بود که تردیدی در مرگش وجود نداشت.

روز بعد، مردم دیدند که ابوراجح با سلامت کامل به نماز ایستاده است. با شگفتی از او پرسیدند: چگونه سلامت خود را باز یافتی؟! ابوراجح پاسخ داد: وقتی مرگ را مشاهده کردم، زبانی نداشتم که خدا را بخوانم، با قلب خود از خداوند درخواست کردم و از سید و مولای خود صاحب‌الزمان (عج) خواستم به فریادم برسد. وقتی شب فرا رسید، ناگهان دیدم خانه‌ام پر از نور شد و

صاحب‌الزمان (عج) را نزد خود حاضر دیدم. آن حضرت جلو آمده، دست بر چهره‌ام کشیدند و فرمودند: «برو و برای تأمین زندگی خانواده‌ات تلاش کن که خداوند تو را شفا داد.»

من هم شب را صبح کردم و همان‌گونه که می‌بینید، سلامت خود را باز یافتم.

یکی از نیکوکاران زمان ابوراجح، شیخ شمس‌الدین محمد بن قارون است. او می‌گوید: به خدا قسم ابوراجح مردی ضعیف، زرد چهره، بدقیافه و کم‌ریش بود. من همواره به حمام او می‌رفتم و او را این‌گونه می‌دیدم، اما بعد از این واقعه، او را مردی جوان، قوی، سرخ‌چهره و دارای قامتی افراشته دیدم و همواره این‌گونه بود تا از دنیا رفت.

هنگامی که خبر شگفت‌آور سلامت ابوراجح منتشر شد، حاکم او را احضار کرد و چون تفاوت عجیب دیروز و امروز او را دید، رعب و وحشتی بزرگ بر قلب او افتاد و آن‌چنان تحت تأثیر قرار گرفت که در برخورد خود با شیعیان تجدید نظر کرد و به آن‌ها احترام می‌نمود و لغزش‌های آنان را می‌بخشید و به نیکوکاران آن‌ها احسان می‌کرد.^۱

ملاقات با حضرت در دوران غیبت

داستان انسان‌های شایسته و خداجویی که از آغاز غیبت کبری تاکنون به دیدار حضرت مهدی (عج) مفتخر شده‌اند، بسیار است.

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، صص ۷۰-۷۱.

روشن است که هر کدام از این داستان‌ها، موضوعات مهم و فواید بی‌شماری دارد و این رخدادها، طی قرون و اعصار از غیبت کبری تاکنون رخ داده است.

برای نمونه، حضرت مهدی (عج) در شهر تاریخی سامرا با «اسماعیل هرقلی» دیدار می‌کنند و بیماری او را شفا می‌بخشند و به او خبر می‌دهند که به زودی خلیفه‌ی ستمکار «عباسی» به او مبلغ زیادی خواهد داد و به او هشدار می‌دهند که نپذیرد.

در نجف اشرف مرد مسلول و گرفتاری را به دیدار خویش مفتخر ساخته، اندکی از قهوه‌ی او می‌نوشند و به وسیله‌ی آن بیماری سخت او را برطرف می‌سازند و به او خبر می‌دهند که به آرزوی خویش در مورد آن دختر دلخواه رسید و می‌رسد.

در بحرین «محمد بن عیسی» را به دیدار خود مفتخر می‌سازند و راز «انار» و نقشه‌ی شوم وزیر بداندیش را برملا ساخته، همه را نجات می‌دهند و جایگاه آن قالب را نیز به آن مرد شایسته خبر می‌دهند.

در راه کربلا، کنار چادرهای آن عشیره‌ی یاغی و غارتگر که راه را بر روی زائران بسته بودند، می‌روند و هراس به دل آنان می‌افکنند؛ به گونه‌ای که وحشت‌زده و ترسان منطقه را ترک می‌کنند و راه را بدین وسیله برای زائران امام حسین علیه السلام باز می‌کنند.

همچنین در مجالس و محافل شیعیان که برای زنده نگاه داشتن نام و راه و رسم امامان نور بر پا می‌گردد، حاضر می‌شوند.

خواننده‌ی عزیز! بنگر که آن حضرت چگونه وجود گرانمایه‌ی

خویش را به شیعیان اثبات کرده، چگونه آنان را پناه داده، در تنگناها به فریاد آنان می‌رسند و شرّ دشمنان را از آنان برطرف می‌سازند و به آنان از توطئه‌ها و حيله‌ها و نقشه‌هایی که دشمن برای اذیت و آزارشان می‌کشد، خبر می‌دهند و آن‌گاه به صورت ناگهانی از برابر دیدگان‌شان پنهان می‌شوند، تا غیبت آن حضرت به صورت ناگهانی، دلیل بر این باشد که او همان امام مهدی (عج) است، نه دیگری.

در همین جا برای شما خواننده‌ی گرامی روشن می‌شود آنچه را که آن گرانمایه و عزیز به «شیخ مفید» نوشتند:

«فإِنَّا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَنْبِيَائِكُمْ وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِّنْ أَخْبَارِكُمْ»^۱

ما بر اوضاع و اخبار شما و جامعه‌ی شما به خوبی آگاهیم و چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نمی‌ماند.

همچنین مرقوم داشتند:

«أَنَا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ لَكُمْ اللَّأْوَاءُ»^۲

ما از سرپرستی و رسیدگی به کارهای شما کوتاهی نورزیده و یاد شما را از صفحه‌ی خاطر خویش نزدوده‌ایم، که اگر جز این بود، امواج سختی‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان کینه‌توز شما را ریشه‌کن می‌ساختند.

«لَا تَأْتِي مِن وَرَاءِ حِفْظِهِم بِالذُّعَاءِ الَّذِي لَا يَجُوبُ عَن مَلِكٍ

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵.

۲. همان.

الأرضِ والسماء»^۱

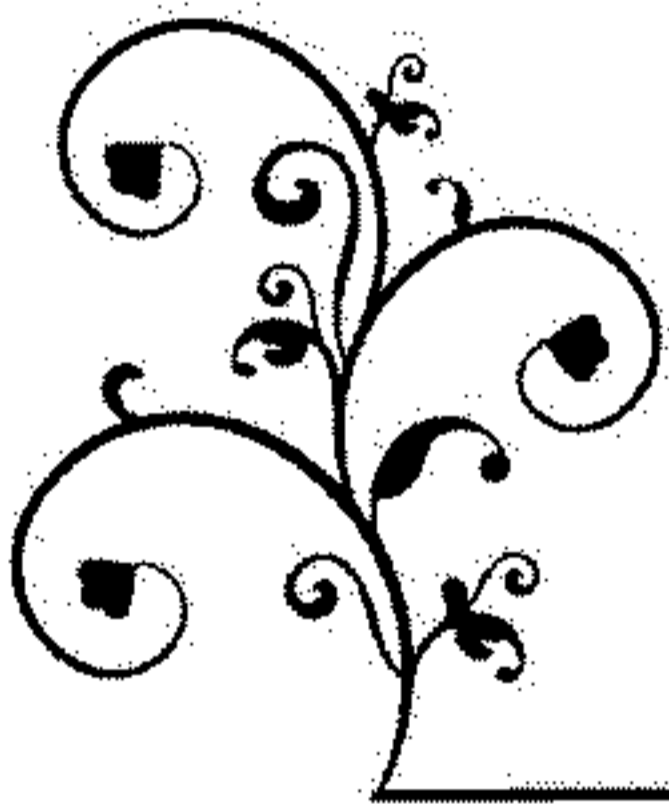
همانا ما پشت سر مؤمنان شایسته کردار، به وسیله‌ی
نیایش و راز و نیازی که از فرمانروای آسمان‌ها و زمین
پوشیده نمی‌ماند، آنان را حفاظت و نگهداری می‌کنیم.

«وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ - عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ
الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ... لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمَنُ
بِلِقَائِنَا...»^۲

اگر شیعیان ما که خداوند آنان را در فرمانبرداری
خویش توفیقشان ارزانی دارد، به راستی در راه وفای
عهدی که بر دوش دارند، همدل و هماهنگ بودند،
هرگز سعادت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد و
سعادت دیدار ما زودتر روزی آنان می‌شد.

۱. همان، ص ۱۷۷.

۲. همان.



فصل سوم

انتظار و منتظران واقعی

مفهوم انتظار حقیق

انتظار، آمادگی است و حالت آماده‌باش داشتن، و تهیه‌ی مقدمات برای آنچه که انتظار داریم؛ همچنان که در زیارت آل‌یاسین چنین می‌خوانیم:

«و نُصِرْتِي مُعَدَّةً لَكُمْ»

من برای یاری شما آماده‌ام.

اگر ما منتظر شخصیتی هستیم که در هم کوبنده‌ی بناهای شرک و نفاق است و محورکننده‌ی اندیشه‌های شیطانی، و آورنده‌ی برنامه‌های نوین قرآنی، برای ساختن زندگی‌های الهی؛ پس باید برای آن دوران و آن روش‌ها آماده باشیم، و این انتظار است که ثواب‌ها دارد و منتظر را در شمار یاوران

حضرت مهدی (عج) قرار می‌دهد و به پای شهدای «بدر» می‌رساند.

بنابراین، منتظر ظهور امام زمان (عج) بودن، در حقیقت حرکت به سوی کمال و آرمان‌های موعود است و چنین انتظاری به فرموده‌ی امام رضا علیه السلام فرج و گشایش را به همراه دارد.^۱

انسان منتظر، همانند کسی است که در پی شب یلدایی، خسته از ظلمت و تیرگی، چشم به افق دوخته و دمیدن خورشید را آرزو می‌کند و زمزمه دارد که:

صبح نزدیک است و روشن می‌شود این آسمان

ای دل، ای دل صبر کن

چشم بر مشرق بدوز و منتظر با من بمان

ای دل، ای دل صبر کن

همچنین همانند کسی است که در بیابانی بی‌انتها سرگردان مانده،

تنها و وحشتزده رهنمایی را می‌طلبد.

و بالاخره انسان منتظر، همانند کسی است که در حین بالا رفتن

از کوهی، پایش لغزیده و دست به تخته سنگی گرفته و فریاد استغاثه‌اش بلند است.

جایگاه و منزلت این انتظار، به گونه‌ای است که رسول گرامی

اسلام صلی الله علیه و آله مؤمنان منتظر و یاوران حضرت ولی عصر (عج) را برادران خود می‌خوانند، و رمز این نام‌گذاری و اظهار محبت به آنان را

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۸.

دشواری دین‌داری در عصر غیبت معرفی می‌فرمایند.^۱
در بیان دیگر، حضرت رضا علیه السلام می‌فرمایند:

«وه! چه نیکوست انتظار فرج! مگر نشنیده‌اید گفتار خداوند را که فرموده است: "چشم به راه باشید که من نیز همراه شما از چشم به راهانم"^۲ و نیز فرموده است: "منتظر باشید که من نیز همراه شما از منتظرانم"^۳؛ بنابراین صبر و شکیبایی را پیشه‌ی خود سازید، که فرج بعد از یأس و نومیدی خواهد آمد.»^۴

آه دل مظلومان، بی‌شک اشری دارد

وین اشک شبانگاهان، نیکو ثمری دارد

ای منتظر خورشید، یک چند صبوری ورز

کاین شام فراق تو، آخر سحری دارد

عصر ظهور مهدی (عج)، به تعبیر قرآن، عصر «عباد صالح» است؛

یعنی همه‌ی بندگان که صالح هستند، وارث زمین می‌شوند. و مگر

انتظار چنین دورانی، تنها با شعار تحقق‌پذیر است؟!!

انتظار حقیقی، جز با تقوا و ورع محقق نخواهد شد. در بیانی از

ناحیه‌ی مقدسه‌ی امام عصر (عج) خطاب به شیخ مفید آمده است:

«آنچه ما را از آنان پوشیده داشته است، چیزی نیست

۱. همان، ج ۲۵، ص ۱۲۸.

۲. هود، ۹۳.

۳. اعراف، ۷۱.

۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹، ح ۲.

جز اخباری که از کارهای ناپسند و نکوهیده‌ی آنان
به ما می‌رسد.^۱

مگر نه این است که ما به انتظار این وعده‌ی قرآن که «زمین را
بندگان صالح خدا به ارث خواهند برد»^۲ نشسته‌ایم؟ اگر منتظر این
معنا هستیم و انتظاری راستین داریم، باید نخست در زمره‌ی «عباد
صالح» در آییم، آن‌گاه طالب نویدی که به آنان داده‌اند، باشیم.
خلاصه‌ی کلام این که: کسی که در انتظار ظهور مصلح به سر
می‌برد، باید خود صالح باشد.

از طرف دیگر، این همه تأکید بر امتحانات دشوار عصر غیبت، و
جدا کردن مؤمنان حقیقی از افراد سُست ایمان، در همین راستا
است.

امام رضا علیه السلام درباره‌ی این امتحانات و اسرار آن‌ها در عصر غیبت،
به معمر بن خلّاد می‌فرماید:

«آنچه در انتظار آن لحظه‌شماری می‌کنید، واقع نخواهد شد، مگر
بعد از آن‌که آزمایش و امتحان شوید، و از بوته‌ی امتحان جز افراد
بسیار اندک پیروزمندانه بیرون نمی‌آیند؛ چنان که خداوند تبارک و
تعالی می‌فرماید:

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَبْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ؟^۳

آیا مردم پنداشته‌اند که با گفتن ایمان آورده‌ایم، رها

۱. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۶۰۲.

۲. انبیاء، ۱۰۵.

۳. عنکبوت، ۲.

شده، مورد آزمایش (فتنه) قرار نمی گیرند؟!۱»

سپس به «معمربن خلاد» فرمودند: می دانی فتنه چیست؟
گفت: جانم به فدای شما؛ آنچه می دانیم، این است که امتحانی
در دین واقع می شود.

حضرت فرمودند: چون طلا گذاخته می شوید، و مانند طلای
ناب از ناخالصی ها پاک می گردید.

آیا با غفلتی که بشریت امروز را فرا گرفته و جاهلیتی که سایه‌ی
آن بر جهانیان گسترده است، می توان از یک جامعه‌ی منتظر خیر
داد؟

بنابراین، جاهلیت آخرالزمان در عصر ظهور بیش از جاهلیت
زمان پیامبر ﷺ، دشواری و رنج و زحمت به همراه خواهد داشت.
در بیان شیوایی، امام صادق علیه السلام به این حقیقت تلخ اشاره
می فرمایند:

«آزاری که قائم (عج) به هنگام رستاخیز خویش، از
جاهلان آخرالزمان می بیند، بسی سخت تر است از آن
همه آزار که پیامبر ﷺ از مردم جاهلیت دیدند.»^۲

چرا؟ چون اینان، به قرآن مسلم اند، و برای آن حضرت (که
بناست همان قرآن را زنده کند) قرآن می خوانند و تفسیر می کنند.
به اندازه‌ای خرافات و عقاید ضد دینی، در جامعه‌های اسلامی

۱. منتخب الاثر، ص ۳۱۵.

۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۲، ح ۱۳۱.

گسترش یافته و به اسم دین و قرآن مطرح گردیده است، که هنگامی که مهدی (عج) درآید و قرآن را (آن طور که هست) تفسیر کند، مردم می‌گویند: این دینی تازه است و کتابی تازه، و این آن قرآن نیست که ما می‌خواندیم.

وظایف منتظران حقیقی

۱. شناخت امام

امام هشتم علیه السلام در نوشته‌ای خطاب به مأمون درباره‌ی شرایط دین فرمودند:

«مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ أُمَّتَهُ مَاتَ مِثْلَ جَاهِلِيَّةٍ»^۱

هر کس بی‌شناخت امام خویش بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است.

به راستی چرا عدم شناخت ائمه، همپای شرک و جاهلیت، و تکذیب ایشان، هم‌ردیف کفر و بی‌ایمانی شمرده شده است؟! آیا غیر از این است که جز با شناخت امام، راه هدایت را نمی‌توان شناخت و جز با معرفت او، نمی‌توان به معرفت دینی صحیح دست یافت؟

به یقین، شناخت امام عصر (عج) - که کلید همه‌ی معارف وحی است - تنها با یادگیری نام‌ها و القاب و تاریخ ولادت و غیبت آن حضرت حاصل نمی‌شود؛ بلکه:

۱. بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۸۴

باید جایگاه امامت را شناخت؛

باید در حکمت نام‌ها و نشانه‌های او اندیشید؛

باید در شگفتی ولادت و حیات او تأمل کرد؛

باید غیبت پر رمز و راز او را به بررسی نشست و عوامل و لوازم

آن را با نگاهی مسؤولانه جست‌وجو کرد؛

باید در کلمات و فرموده‌های حضرتش دقت نمود.^۱

باید آنچه را که سبب خشنودی و ناخشنودی اوست، باز

شناخت.

و بالاخره... باید اهداف و آرمان‌های او را فهمید.

این اندیشه و تأمل و بررسی و دقت و تدبیر و فهم و شناخت،

مقدمه‌ای تعهد آفرین برای اطاعتی تعبد آمیز از امام زمان (عج) است

و چنین اطاعتی، عین اطاعت از خدا و پیامبر ﷺ است که غایت

ایمان و اسلام به شمار می‌آید؛ به طوری که اصلاً دین در معرفت

آن حضرت خلاصه می‌شود.

اصل اعتقاد به امام زمان (عج) و رجوع به ایشان و تسلیم در

برابر آن بزرگوار، بالاترین راه بندگی خدا و روح همه‌ی اعمال

عبادی در دین به حساب می‌آید. به همین دلیل است که در یکی از

زیارات امام عصر (ارواحنا فداه) می‌خوانیم:

«السَّلَامُ عَلَى الدِّينِ الْمَأْتُورِ»^۲

۱. کلمة الامام المهدي.

۲. مفاتيح الجنان، زیارت سرداب مطهر.

سلام بر دین (به ما) رسیده.

وجود مقدس ولی عصر (عج) و معرفت به ایشان، همان دینی است که خدای متعال از بندگان خواسته و بر پیامبرش نازل فرموده است و در قیامت از آن سؤال خواهد فرمود.

۲. یاد امام زمان (عج)

با ذکر اهمیت یاد حضرت و سفارش‌های بسیاری که در این زمینه شد، واضح است که این مسأله، آثار پربرکتی خواهد داشت. انسان در فکر هر چه باشد، فکر و روحش به همان افق تمایل پیدا می‌کند؛ اگر کسی در فکر و یاد گناه باشد، کم‌کم به سمت گناه کشیده می‌شود و اگر کسی در فکر کارهای نیک و کمک به دیگران باشد، به همان کارها توفیق پیدا خواهد کرد.

حال، چه یادی بهتر و نورانی‌تر از یاد یوسف زهرا که قلب‌ها و فکرها را نورانی می‌کند.

«... وَأَنْ تَمَلَأَ قَلْبِي نُوْرَ الْيَقِيْنِ، وَصَدْرِي نُوْرَ الْاِيْمَانِ، وَفِكْرِي

نُوْرَ النِّيَّاتِ»^۱

خدایا! از تو می‌خواهم که قلبم را از نور یقین و سینه‌ام را از نور ایمان و اندیشه‌ام را از نور نیات خیر پر کنی.

یاد نورانی‌ترین شخص عالم، انسان را نورانی می‌کند و از ظلمت

۱. دعای پس از زیارت آل یاسین، مفاتیح الجنان.

رها می‌سازد و زمینه‌ی تربیت صحیح او را فراهم می‌سازد. فراموش نکردن یاد و ذکر آن حضرت، چیزی است که در دعاهایی که از خاندان وحی صادر شده، آمده است.

در دعای معرفت که از ناحیه‌ی مقدسه‌ی امام زمان (اروحنا فداه) صادر شده است، چنین می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ... وَلَا تَنْسِنَا ذِكْرَهُ»^۱

خداوند!... یاد و ذکر او را از یاد ما نبر.

ذکر و یاد امام زمان (اروحنا فداه) تیرگی‌ها و زنگار گناه را از قلب انسان زدوده و آن را آماده‌ی تابش نور آن حضرت می‌کند و با این یاد و توجه نسبت به آن بزرگوار، دارای قلبی آباد می‌شود.

در زیارت حضرت بقیة الله (اروحنا فداه) در سرداب مقدس

چنین می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ... جَعَلْتُ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْمُورًا»^۲

خداوند! قلب مرا با یاد آن بزرگوار آباد کردی.

بنابراین، قلبی که خالی از یاد و ذکر امام زمان (عج) باشد، ویرانه‌ای بیش نیست و شیطان و شیطان‌صفتان در آن جا دارند؛ چرا که ظلمت و تاریکی، با نور و روشنائی قابل جمع نیست.

بنابراین، اگر می‌خواهید از این بلای غفلت و فراموشی نسبت به آن بزرگوار نجات پیدا کنید و به یاد آن حضرت که سرچشمه‌ی

۱. صحیفه‌ی مهدیه، ص ۳۵۹؛ به نقل از جمال الأسبوع، ص ۳۱۵.

۲. همان، ص ۶۴۰؛ به نقل از مضباح الزائر، ص ۴۴۴.

تمام خوبی‌هاست، برسید، هدف خود را درک ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) قرار داده و تلاش و کوشش خود را نیز در این زمینه قرار دهید.

فعالیت شما در این زمینه هر چه بیشتر باشد، یاد امام زمان (ارواحنا فداه) جایگزین غفلت و فراموشی خواهد شد و با افزایش آن، به ذکر و توجه پیوسته و همیشگی نسبت به آن بزرگوار دست می‌یابید و با ذکر و توجه دائمی، به ایمانی راسخ و کامل نایل شده و به آثار و برکات فراوانی که در اثر یاد و ذکر آن بزرگوار برای انسان حاصل می‌شود، می‌رسید.

یکی از آثار ذکر و یاد امام زمان (ارواحنا فداه) این است که انسان علاوه بر این که خود به یاد آن بزرگوار است، از آن حضرت نزد افراد دیگر یاد می‌کند و موجبات یاد حضرت را برای دیگران فراهم می‌نماید و آنان را از غفلت و عدم توجه نسبت به آن بزرگوار باز می‌دارد، که این نیز آثار بی‌شماری به ارمغان می‌آورد.

۳. محبت امام (عج)

باید دانست که محبت، هر چند امری است پوشیده و مخفی، و عملی است باطنی و قلبی، ولی آثار و دلایل آشکار و شاخه‌های بسیاری دارد. محبت، مانند درخت پر برگ و باری است که بر شاخه‌های گل‌های رنگارنگ نشسته، بعضی از آثار آن در زیان و بعضی در اعضا و جوارح انسان، آشکار می‌گردد.

همان‌طور که درخت هر چه بیشتر رشد کنند و پرورش یابد،

گل‌ها و شکوفه‌هایش زیادت‌تر می‌گردد، هرچه محبت نیرومندتر شود، آثار و نشانه‌هایش افزایش می‌یابد؛ چنان‌که از آثار محبت در چشم، بی‌خوابی و اشکیاری است، و در زبان، یاد کردن از محبوب در همه حال و همه جا است. خدای تعالی در حدیث قدسی می‌فرماید:

«يَا مُوسَى إِنَّ ذِكْرِي حَسَنٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ»^۱

ای موسی! یاد من در همه حال نیکوست.

خداوند متعال، محبت و مودت اهل بیت علیهم‌السلام را بر همگان واجب

کرد و به عنوان مزد رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مطرح فرمود:

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^۲

بگو من از شما جز مودت و محبت خویشاوندانم اجر

و مزدی برای رسالت نمی‌خواهم.

اظهار دوستی و علاقه به اهل بیت به عنوان اجر رسالت، منفعتی

برای پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام ندارد، بلکه مؤمنان در دنیا و آخرت از آن

بهره‌مند خواهند شد.

«قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ»^۳

در حقیقت، همین مودت و ارتباط‌های روحی و معنوی است که

راه سیر به سوی خدا را فراهم می‌سازد، و سلوک انسان را در

راستای اراده‌ی حق متعال شکل می‌دهد.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۴۹۷، ح ۸

۲. شوری، ۲۳.

۳. سبأ، ۲۷.

۵. دعا برای محبوب

دعا، اساس و روح عبادت است؛ چنان که رسول اکرم ﷺ فرمودند:

«الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ»^۱

دعا مغز عبادت است.

اثنه‌ی بزرگوار شیعه، علاوه بر این که خود مقید به دعا برای امام زمان (عج) بودند، پیروان خود را نیز به چنین مهمی ترغیب می‌فرمودند:

یونس بن عبدالرحمان می‌گوید: امام رضا علیه السلام همواره به دعا برای صاحب الامر (عج) فرمان می‌دادند.^۲

حتی وجود مقدس امام عصر (عج) نیز در این خصوص به شیعیان و پیروان خود دستور داده‌اند:

«وَ أَكثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ»^۳

برای تعجیل در امر فرج بسیار دعا کنید، زیرا گشایش شما در آن است.

امام صادق علیه السلام در شب قدر، با اصرار زیاد در محضر حق تعالی به راز و نیاز مشغول و برای فرج و سلامت موعود منتظر دعا می‌فرمودند.

البته دعا برای امام زمان (عج) به صرف توصیه انجام نمی‌شود،

۱. نهج الفصاحه.

۲. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۳۳۰، ح ۴.

۳. همان.

بلکه باید روح محبت در آن باشد، تا دعا کننده بدون تکلف و تصنع و تنها با انگیزه‌ی اظهار محبت، برای محبوب دعا کند. با وجود چنین انگیزه‌ای، دیگر نیازی به توصیه و تأکید نیست. برای مثال، انسان برای بیماری یا مشکل پدرش ناآرام و حتی بی‌تاب می‌شود، و به طور طبیعی برای پدرش دعا کرده و بدون نیاز به سفارش کسی، در هر مکان و زمان مناسبی او را یاد می‌کند. گاهی آن قدر یاد پدر، قلب او را پر می‌سازد که خودش را از یاد می‌برد، و در این حالت برای او حاجت می‌خواهد.

کسانی که در مراتب والای معرفت، قلبشان مالا مال از محبت امام زمان (عج) شده است، چنین حالتی دارند.

این حالت که شخص در حالات خوش معنوی، فقط و فقط برای امام زمانش دعا کند، برای کسانی که آن درجه از محبت او را نچشیده‌اند، قدری سنگین و تکلف‌آور به نظر می‌رسد، زیرا آن‌ها چنان محبتی را در خود نیافته‌اند که خودشان را از یاد ببرند، و تماماً به امام زمانشان بیندیشند. فقط اکسیر محبت، چنین تحولی را در افراد ایجاد می‌کند.

برای این که نظر علاقه‌مندان، به اثرات و برکات دعای فرج معطوف گردد، بسیار مناسب است که به روایتی از امام صادق (ع) در این باره اشاره کنیم.

مفضل می‌گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمودند:

«هنگامی که گرفتاری بنی اسرائیل به درازا کشید و ظلم

و ستم بر ایشان از هر سوی باریدن گرفت، چهل روز صبح‌ها روی به درگاه الهی آورده، ضجّه و گریه آغاز نموده، به دعا قیام کردند. پس از آن، دریای رحمت الهی با دعای بنی‌اسرائیل به جوشش درآمد و خداوند به حضرت موسی و هارون وحی فرستاد که با مدد غیبی، بنی‌اسرائیل را از شر فرعون نجات بخشند و صد و هفتاد سال از گرفتاری آن‌ها کاست.

سپس امام ششم علیه السلام فرمودند:

«شما هم اگر مانند بنی‌اسرائیل به درگاه خدا دعا کنید، خداوند فرج ما را نزدیک خواهد فرمود. اما اگر چنین نکنید، این سختی به نهایت مدتش خواهد رسید.»^۱

وقتی هدف و آرزوی انسان منتظر، درک روزگار ظهور حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) باشد و هم و غم او هر چه زودتر فرا رسیدن آن دوران باشد، حتماً برای آن زیاد دعا کرده و در این راه کوتاهی نمی‌کند و صبح و شام از خداوند متعال تعجیل فرج و ظهور آن بزرگوار را طلب می‌نماید و در اثر زیاد دعا نمودن برای امر ظهور، به فواید و برکات بی‌شمار آن می‌رسد.

بنابراین، اگر می‌خواهید به آثار و برکات فراوانی که در اثر زیاد دعا نمودن برای فرج و ظهور امام زمان (عج) حاصل می‌شود، برسید، هدف خود را درک روزگار ظهور نور قرار دهید و در این

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱، ح ۳۴.

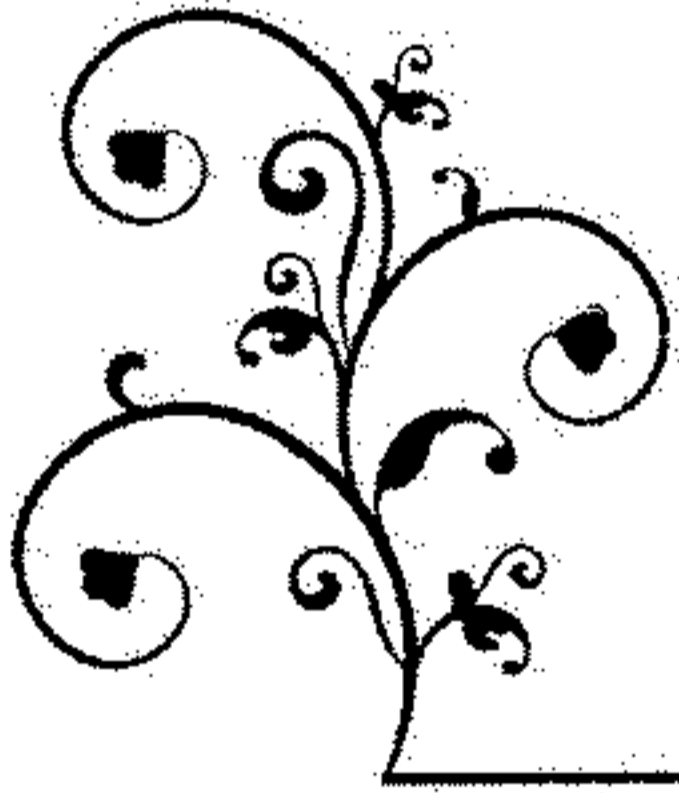
راستا و برای هر چه زودتر فرا رسیدن آن، تلاش و کوشش نموده و دیگران را نیز برای این وظیفه‌ی مهم و خطیر، تشویق و ترغیب نمایید.

صاحب کتاب «مکیال المکارم» نود فایده برای زیاد دعا نمودن جهت تعجیل امر ظهور امام زمان (اروحنه فداه) ذکر نموده است. اکنون برای این که شیعیان و محبتان آن حضرت، بیش‌تر متوجه دعا نمودن برای تعجیل ظهور شوند و زیاد دعا کنند، مواردی چند از آن آثار و فواید را ذکر می‌کنیم:

۱. دعا کردن برای تعجیل فرج، باعث زودتر واقع شدن این امر می‌شود؛
۲. سبب زیاد شدن نعمت‌ها و رزق و روزی می‌گردد؛
۳. انسان از فتنه‌های آخر الزمان نجات پیدا می‌کند؛
۴. مورد توجه و عنایات امام زمان (عج) قرار می‌گیرد و آن بزرگوار در حق او دعا می‌نمایند؛
۵. باعث درک ظهور امام زمان (عج) خواهد شد؛
۶. موجب تشرف به دیدار آن حضرت در بیداری یا خواب می‌گردد؛
۷. باعث زنده کردن امر ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام می‌شود؛
۸. موجب خرسندی خداوند متعال و خوشنودی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌گردد؛
۹. باعث دفع بلا می‌شود؛

۱۰. نشانه‌ی انتظار و اظهار محبت قلبی به آن بزرگوار است؛
۱۱. پاداش خون‌خواهی مولای مظلوممان حضرت اباعبدالله
الحسین علیه السلام را دارد؛
۱۲. با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و در درجه‌ی آن بزرگوار خواهد
بود؛
۱۳. شفاعت حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام نصیب او می‌گردد؛
۱۴. سبب کامل شدن ایمان می‌شود.^۱

۱. برک: مکیال المکارم، ج ۱، ص ۳۰۳ و ترجمه‌ی آن، ج ۱، ص ۳۵۱.



فصل چہارم
دوران ظہور

ویژگی‌های مهم عصر ظهور

- از جمله ویژگی‌هایی که خاندان وحی برای عصر با عظمت ظهور بیان نموده‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
۱. در عصر ظهور، عقل‌ها کامل شده و شکوفا می‌شوند؛
 ۲. اقتصاد شکوفا شده، جامعه به رفاه کامل دست پیدا می‌کند؛
 ۳. فقر و فلاکت به طور کامل از جامعه ریشه‌کن می‌شود و کسی محتاج به دیگری نیست؛
 ۴. زمین، سرسبز و خرم می‌گردد و تمام دَفینه‌های خود را بیرون می‌ریزد؛
 ۵. برکات آسمانی و باران فراوان می‌شود؛ به طوری که درختان چند برابر محصول می‌دهند و میوه‌های تابستان در زمستان و

میوه‌های زمستان در تابستان خورده می‌شوند؛

۶. علم و صنعت در عصر ظهور به طور کامل پیشرفت کرده و مردم به کرات دیگر سفر می‌کنند؛

۷. حکومت واحد جهانی بر اساس دین اسلام و ولایت خاندان وحی علیه السلام تشکیل می‌گردد؛

۸. ساکنان زمین و آسمان از دولت آن حضرت راضی و خشنود می‌شوند؛

۹. سرمایه‌ها و اموال بین مردم به طور مساوات تقسیم می‌گردد؛

۱۰. راه‌ها امن شده و جاده‌های اصلی توسعه پیدا می‌کنند؛

۱۱. سرور و شادی ظهور در قبرها به مردگان نیز می‌رسد؛

۱۲. تمام بیماری‌ها از بین رفته، بیماران شفا پیدا می‌کنند؛

۱۳. مردم از نعمتی برخوردار می‌شوند که تا آن زمان از آن

بهره‌مند نبوده‌اند؛

۱۴. عدالت، مانند سرما و گرما، در خانه‌های مردم نفوذ می‌کند؛

۱۵. تمام غم‌ها و غصه‌ها از بین می‌رود؛

۱۶. دوستی‌ها صمیمی و واقعی می‌شود؛

۱۷. تمام بدهکاری‌ها پرداخت می‌گردد؛

۱۸. از دشمنان اهل بیت علیهم السلام انتقام گرفته می‌شود؛

۱۹. خوی درندگی از حیوانات وحشی گرفته شده، با همدیگر و

با انسان‌ها سازش می‌کنند و از یاران آن حضرت اطاعت می‌نمایند؛

۲۰. هر حقی به صاحبش می‌رسد.

این‌ها قطره‌ی ناچیزی از دریای عصر ظهور است، که در روایات خاندان وحی علیهم‌السلام ذکر شده است و همان طوری که گفته شد، به اندازه‌ی درک و فهم مردم دوران تیره‌ی غیبت است.

تحولات عصر ظهور

۱. حاکمیت عدالت

عصر ظهور، عصر فرود آمدن فرشته‌ی عدالت بر بام زمین است؛ عدالتی که همواره به عنوان یک آرزو برای بشریت مطرح بوده است و جز در موارد انگشت شماری نظیر حکومت امیرمؤمنان علیه‌السلام به وقوع نپیوست.

قبل از ظهور، ظلم و جور همه‌ی زوایای زمین را فرا می‌گیرد و یکی از معجزات امام مهدی (عج) این است که چنین زمینی را از هرگونه ظلم و ستمی پاک کرده، به گوهر عدالت زینت می‌دهد. روایاتی در این باره وارد شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

«وقتی مهدی ما خانواده قیام کند، مال و امکانات را به طور مساوی تقسیم کرده و در میان مردم به عدالت رفتار می‌کند.»^۱

عدالت زمان ظهور منجی عالم، همه جانبه است؛ به گونه‌ای که

۱. عقد الدرر، ص ۱۴۰.

مسائل اجتماعی، قضایی، اقتصادی، سیاسی و همه‌ی ابعاد دیگر را شامل می‌شود. اما از آنجایی که عدالت اجتماعی در مسائل اقتصادی بیش‌تر مورد توجه است، سمت و سوی روایات هم به عدالت اقتصادی معطوف شده، و گرنه دستگاه قضایی حکومت مهدی (عج) نیز در اوج عدالت‌خواهی است.
در منابع اهل سنت آمده است:

«دادخواهی مهدی به گونه‌ای خواهد بود که اگر چیزی از حق کسی زیر دندان ستمگری باشد، آن را می‌گیرد و به صاحبش باز می‌گرداند.»^۱

این جمله، یادآور سخن امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمودند:

«به خدا قسم اگر آنچه را عثمان بیهوده از بیت‌المال مسلمین بخشیده است، بیابم، به صاحبش باز می‌گردانم؛ اگرچه مهر زنان شده باشد.»^۲

در عصر ظهور، آن‌چنان عدالت بر زندگی مردم و کارگزاران سایه می‌اندازد که جز عدالت را نمی‌شناسند و جز به آن عمل نمی‌کنند.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند:

«دیگر نه ستمگر جنایتکاری و نه منکر طغیانگری و نه دشمن و مخالفی که دشمنی خود را مخفی نگه دارد،

۱. همان، ص ۳۶.

۲. نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۵.

بر روی زمین باقی نخواهد ماند.»^۱

با حاکمیت امام مهدی (عج) آن چنان ظلم فردی، جمعی، حکومتی، طایفه‌ای و خانوادگی در همه‌ی ابعاد از میان مردم می‌رود و مردم با عدالت دمساز می‌شوند که عدالت برای مردم یک فرهنگ می‌گردد و ظلم، امر عجیبی خواهد بود که بسیار تقبیح می‌شود.

۲. حکومت جهانی شیعه

با ظهور امام مهدی (عج)، تمام معادلات جهانی به هم می‌ریزد، سازمان‌های بین‌المللی از میان می‌روند و تمام حکومت‌ها نابود خواهند شد و چهره‌های گمنام، زمام امور را به دست خواهند گرفت. این چهره‌ها برجستگان شیعه هستند که با مولای خود ولی عصر (عج) بسیار نزدیکند و در روایات به اصحاب سیصد و سیزده نفر آن حضرت شهرت دارند. البته همه‌ی یاران اجرایی او به آن‌ها خلاصه نمی‌شوند، بلکه بسیاری از رجال شیعه در رتبه‌ی پس از آن‌ها، در سمت‌های معاونت، وزارت و پست‌های اجرایی دیگر در دولت کریمه‌ی امام مهدی (عج) مشغول خدمت خواهند شد.

اساساً اولویت برای حاکمیت کسانی است که سابقه‌ی تشیع آن‌ها به قبل از ظهور می‌رسد و این همان تحقق عدل الهی در قرآن است که مستضعفین حاکمیت زمین را بر عهده خواهند گرفت.

با قیام جهانی امام مهدی (عج)، شیعه، عزیز و محبوب می‌شود و

از اقتدار بی نظیری برخوردار می گردد؛ چرا که غیبت و غربت به پایان رسیده، و ضعف و گرفتاری و ترس و تنهایی و مظلومیت به سر آمده، و زمان سرافرازی و حاکمیت فرا رسیده است.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«شیعیان ما در حکومت قائم، بزرگان و حاکمان زمین اند.

به هر مردی از آنها قدرت چهل مرد داده می شود.»^۱

همچنین امام باقر علیه السلام فرمودند:

«خداوند آن چنان بر شیعیان ما گشایش می دهد که

اگر سعادت با آنها نبود، طغیان می کردند.»^۲

امام حسین علیه السلام فرمودند:

«خداوند کرامتی به شیعیان ما می کند که چیزی در

زمین بر آنها مخفی نمی ماند.»^۳

۳. انتقام از دشمنان

عصر ظهور، عصر انتقام از دشمنان خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام

اوست. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«وقتی قائم ما قیام می کند، برای خدا و رسولش و ما

انتقام می گیرد.»^۴

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.

۲. همان، ص ۳۴۵.

۳. همان، ص ۶۳.

۴. همان، ج ۵۲، ص ۳۷۶.

روایات مختلفی به انتقام گرفتن امام مهدی (عج) از کسانی که به پیامبر و دخترش فاطمه و همسر او امیرالمؤمنین و فرزندش حسین بن علی علیه السلام ستم کرده‌اند، اشاره دارند، که قبل از ظهور زمینه‌ی بیان و تفسیر بسیاری از آن‌ها وجود ندارد.

گرفتن انتقام از دو گروه خواهد بود:

الف. کسانی که از سران ستمکاران به اهل بیت علیهم السلام بودند. اینان با رجعت به دنیا، در پیش چشم دیگران مورد انتقام قرار می‌گیرند و این کار سبب فتنه‌ای بزرگ و بدتر از فتنه‌ی سامری می‌گردد، اما به هر حال حکم خداوند اجرا می‌شود و امتحانی بزرگ و فراگیر صورت می‌گیرد؛

ب. کسانی که از ظلم پیشینیان خود به اهل بیت علیهم السلام راضی هستند.

هروی می‌گوید:

از امام رضا علیه السلام پرسیدم: نظر شما درباره‌ی حدیثی که از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «وقتی قائم خروج می‌کند، فرزندان کشتندگان حسین علیه السلام را به سبب کار پدرانشان می‌کشند»، چیست؟

حضرت فرمودند: همین‌طور است.

عرض کردم: پس سخن خدا در قرآن که می‌فرماید: «لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»^۱ (کسی بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد) چه خواهد شد؟

حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

«همه‌ی سخنان خداوند راست است، اما
کشندگان حسین علیه السلام به کار پدران خود راضی
هستند و به آن افتخار می‌کنند و کسی که به
چیزی راضی باشد، مثل کسی است که آن را
انجام داده است. و اگر مردی در شرق زمین
کشته شود و مردی در غرب زمین به آن راضی
باشد، در قتل او شریک است؛ و قائم وقتی قیام
می‌کند، آن‌ها را به دلیل رضایتی که به عمل
پدران خود دارند، به قتل می‌رساند.»^۱

ابوحمزه ثمالی می‌گوید:

از امام باقر علیه السلام پرسیدم: ای فرزند رسول خدا! آیا همه‌ی شما قیام
کننده‌ی به حق نیستید؟

آن حضرت در پاسخ فرمودند:

«وقتی جدم حسین علیه السلام کشته شد، فرشته‌ها به سوی خدا
نال و شیون کردند و گفتند: ای پروردگار و سرور ما!
آیا قتل برگزیده و فرزند برگزیده‌ات و بهترین خلق
خود را نادیده می‌گیری؟ خداوند به آن‌ها وحی کرد:
شادمان باشید، به عزت و جلالم قسم از آن‌ها انتقام
خواهم گرفت؛ اگرچه زمانی از آن گذشته باشد. آن‌گاه
خداوند امامانی را که از نسل حسین علیه السلام بودند، به آن‌ها

نشان داد. ملائکه با دیدن آن بزرگواران مسرور شدند و دیدند یکی از آنها ایستاده است و نماز می‌گزارد. در این هنگام، خداوند فرمود: با این قائم (ایستاده) از آنان انتقام می‌گیرم.^۱

۴. گسترش دین‌داری

عصر ظهور، عصر گسترش کمی و کیفی دین‌داری در جهان است. با ظهور منجی عالم، مردم دسته دسته وارد اسلام می‌شوند و به سرعت همه جای زمین در قلمرو حکومت امام مهدی (عج) قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که نقطه‌ای نمی‌ماند مگر این که توحید در آن جا حاکمیت می‌یابد و شهادت به یگانگی خدا و رسالت رسول او داده می‌شود و دین مردم تنها اسلام به شیوه‌ی عترت پیامبر ﷺ خواهد شد.

از آن پس، دیگر نه یهودی و نه مسیحی و نه فرقه‌ی دیگری مطرح نخواهد بود، و اگر باشد، اظهار وجود نخواهد کرد. این که در برخی روایات آمده است حضرت از برخی از اهل کتاب جزیه می‌گیرد - بنابر صحت آنها - احتمالاً به ابتدای حاکمیت آن حضرت مربوط می‌شود.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا تُودَى فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا

اللَّهِ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»^۱

وقتی قائم قیام کند، قطعه‌ای از زمین نمی‌ماند، مگر این که شهادت به «لا اله الا الله و محمد رسول الله» در آن ندا داده می‌شود.

و در حدیث دیگری فرمودند:

«هیچ مکانی که غیر از خدا در آن عبادت شده است، بر روی زمین نمی‌ماند، مگر این که خدا در آن عبادت می‌شود.»^۲

امام باقر علیه السلام نیز فرمودند:

«به خدا قسم، می‌جنگد تا خداوند به یگانگی یاد شود و چیزی شریک او قرار داده نشود.»^۳

۵. دعوت به اسلام حقیقی

با فاصله‌ای که از صدر اسلام تا ظهور امام مهدی (عج) پیدا می‌شود، اسلام کم‌رنگ شده، در موارد زیادی به انحراف می‌گراید و یا به فراموشی سپرده می‌شود. مسلمانان تنها اسم اسلام را از پدران خود به ارث می‌برند و در عمل و عقیده، فاصله‌ای عمیق با حقیقت آن دارند. زندگی فردی، اجتماعی و خانوادگی آن‌ها تطبیقی با اسلام ندارد و اساساً کاری به اسلام و اجرای آن ندارند. بسیاری از

۱. همان، ص ۳۴۰.

۲. همان، ج ۵۱ ص ۱۴۶.

۳. همان، ج ۵۲ ص ۳۴۵.

حرکت‌های دینی مردم نیز با بدعت، جهالت و انحراف همراه می‌شود و به این صورت، مسلمانان حقیقی به تعداد اندک می‌رسند، و مهم‌تر این که برخی از علما به انحراف گراییده، عده‌ای از مردم را منحرف می‌کنند؛ به گونه‌ای که تشخیص حق و باطل برای آنان دشوار می‌شود. هر کسی برداشتی از اسلام دارد و غالباً از حقیقت آن به دور است و در جهل و اوهام خود حیران می‌گردد. چه عقایدی که در مسایل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اخلاقی به نام اسلام پیدا می‌شود که هیچ مایه‌ی دینی ندارد و چه بسا خلاف اسلام است.

در این اوضاع فکری و دینی پریشان است که امام مهدی (عج) قیام می‌کنند و دین خدا را آن‌گونه که در صدر اسلام بر پیامبر ﷺ نازل گردید، تبلیغ و تفسیر و اجرا می‌نمایند. آن‌گاه است که مردم به دلیل فاصله‌ی زیادی که میان اسلام خود و ولی عصر (عج) می‌بینند، اسلام او را جدید ارزیابی می‌کنند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«وقتی قائم (عج) قیام کند، از نو مردم را به اسلام دعوت می‌نماید و به امری هدایت می‌کند که کهنه شده و مردم از آن گمراه گشته‌اند.»^۱

بنا بر این روایات، بسیاری از مردم باید عقاید خود را تقض کنند و برخی آنچه را جزء اسلام می‌دانستند، خلاف آن بدانند و این برای آن‌ها کار آسانی نیست و می‌گویند امام زمان (عج) دین جدید

آورده؛ در حالی که این دین حقیقی است و دین جدید همان است که مردم با فاصله گرفتن از صدر اسلام به آن گرویده‌اند. امام مهدی (عج) همه‌ی بدعت‌هایی را که آگاهانه در اسلام وارد کرده‌اند، از میان می‌برند و تمام سنت‌هایی را که توسط آن‌ها نفی گردیده و یا به فراموشی سپرده شده است، احیا می‌کنند. امام باقر علیه السلام فرمودند:

«لَا يَتْرُكُ بَدْعَةً إِلَّا أَرَاهَا وَ لَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا»^۱

بدعتی نیست، مگر آن که قائم آن را از بین می‌برد و سنتی نیست، مگر این که آن را برقرار می‌سازد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«سیره و سنت او، سیره و سنت من است؛ او مردم را به شریعت من و او می‌دارد و به کتاب خدا فرا می‌خواند.»^۱ و در حدیث دیگری فرمودند:

«او مردی از عترت من است که برای سنت من می‌جنگد؛ همان‌گونه که من برای وحی جنگیدم.»^۲

۶. تطهیر انسان و جهان از زشتی‌ها

از تحولات بنیادی عصر ظهور، رفع هر گونه بدی و احیا و استمرار خوبی‌هاست. خورشید ولایت آن‌چنان بَدان و بدی‌ها را

۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۳۹.

۲. همان، ص ۷۳.

۳. عقدالدرر، صص ۱۶ - ۱۷.

می‌سوزاند که افراد شرور و اعمال زشت، جای خود را به خوبان و خوبی‌ها خواهند داد و صحنه را ترک خواهند کرد؛ به طوری که خوب بودن، یک فرهنگ بنیادی، مستمر و تنها راه زندگی خواهد شد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«يَذْهَبُ الشَّرُّ وَيَبْقَى الْخَيْرُ»^۱

بدی می‌رود و خوبی می‌ماند.

در عصر ظهور، حق می‌آید و باطل می‌رود، ایمان می‌آید و کفر می‌رود، توحید می‌آید و شرک می‌رود، اخلاص می‌آید و ریا می‌رود، دوستی می‌آید و جنگ و دشمنی می‌رود، خیرخواهی می‌آید و بدخواهی می‌رود؛ و در یک کلمه، تقوا می‌آید و فسق می‌رود؛ چرا که دیو چون بیرون رود، فرشته درآید.

اساس همه‌ی خوبی‌ها ایمان کامل است که در عصر ظهور، مردم از آن بهره‌مندند و اساس همه‌ی بدی‌ها کفر است که در آن زمان اثری از آن دیده نمی‌شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ وَلَا طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ»^۲

کافری نمی‌ماند، مگر این که ایمان آورد و تبه‌کاری نمی‌ماند، مگر این که نیکوکار شود.

و در روایت دیگری فرمودند:

۱. همان، ص ۲۰۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

«يَهْلِكُ الْأَشْرَارُ وَيَبْقَى الْأَخْيَارُ وَ لَا يَبْقَى مَنْ يَبْغِضُ أَهْلَ
الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ»^۱

بدکاران هلاک می شوند و خوبان می مانند و کسی که
دشمن اهل بیت علیهم السلام باشد، نمی ماند.

بهترین، زیباترین و والاترین جامعه‌ی توحیدی، جامعه‌ی عصر
ظهور است که همه‌ی آن‌ها موحد، مسلمان و دوست‌دار اهل بیت
رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند و مدح و ثنای آن‌ها را می گویند. گویی بهشت
بر زمین سایه می اندازد و یا زمین رنگ بهشت می گیرد و مردم جز
خوبی سراغ ندارند و گناه مورد نفرت آن‌ها قرار می گیرد و زندگی
شیرین می شود؛ آن چنان که زنده‌ها آرزو می کنند که ای کاش
مرده‌ها بودند و می دیدند.

۷. وحدت حقیقی

وحدت حقیقی و همه‌جانبه، تنها در عصر ظهور تحقق می یابد،
زیرا اساس وحدت در پذیرش دین واحد یعنی اسلام است. و این
به دست آن مرد آسمانی تحقق خواهد یافت؛ چرا که تمام ادیان از
میان خواهند رفت و دیگر نه یهودی خواهد بود و نه مسیحی؛ چنان
که روایات آن گذشت.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«خداوند شرق و غرب زمین را برای او می گشاید و

مخالفان را به هلاکت می‌رساند، تا این که جز دین محمد ﷺ باقی نمی‌ماند.^۱

تمام فرقه‌های دیگر هم از هر مکتب و اندیشه‌ای که باشند، محور خواهند شد و تنها اسلام مطرح است. البته اسلام هم فرقه‌های زیادی دارد که همه‌ی آنها رخت بر می‌بندند و تنها مذهب حیات بخش تشیع باقی می‌ماند و دیگر اختلافی نخواهد بود. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«لَيَرْفَعُ عَنِ الْمَلَلِ وَالْأَدْيَانِ وَالْاِخْتِلَافُ وَيَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ
وَاحِدًا»^۲

اختلاف از ادیان برداشته می‌شود و دین یکی می‌گردد. وحدت در عصر ظهور، یک وحدت ناقص و یا سیاسی محض نیست، وحدت بر سر منافع دنیوی و وحدت در جنگ با دشمن مشترک نیز نخواهد بود، و حتی وحدت ظاهری و وحدت در توحید و نبوت و معاد تنها نیست، بلکه وحدتی حقیقی، عمیق و ریشه‌دار است؛ وحدتی است که تمام جوانب فکری، عقیدتی، عملی، اخلاقی و آرمانی را شامل می‌شود.

همه، یک دین و یک مذهب و یک رهبر دارند؛ همه بر یک محور می‌چرخند و یک هدف دارند؛ همه دل‌داده‌ی یک فردند و تنها جام محبت او را می‌نوشند و بر اساس گفته‌ی او عمل می‌کنند.

۱. بخارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱.

۲. همان، ج ۵۳، ص ۴.

۸. امنیت همه جانبه

عصر ظهور، عصر امنیت همه‌جانبه در سراسر زمین است؛ چیزی که از اول دنیا تا ظهور حضرت مهدی (عج) انسان شیفته‌ی آن بوده و به آن نرسیده است. ناامنی؛ ناشی از ضعف ایمان، هوای نفس، حب شهوات، طمع دنیا، حسادت، جهالت، حماقت و امثال آن‌ها است، که این‌ها به برکت ظهور حجت خدا برطرف می‌گردد.

در عصر ظهور، ایمان مردم به بالاترین سطح خود می‌رسد، عقل‌ها کامل می‌شود، فهم عمومی بالا می‌رود و به بی‌نیازی دست می‌یابند. آن‌گاه با وجود این ارزش‌ها، دیگر دشمنی و تجاوزی در کار نخواهد بود و در نتیجه نعمت بزرگ امنیت، همه‌ی زمین را در بر خواهد گرفت و کم‌ترین دغدغه‌ی خاطری برای حتی ضعیف‌ترین مردم وجود نخواهد داشت. حیوانات هم آزاری به انسان نخواهند رساند و از آزار انسان‌ها در امان خواهند بود و خلاصه، صلح کلی بر همه‌ی زمین حاکم می‌شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«هنگامی که قائم ما قیام کند، کینه و دشمنی از دل بندگان رخت بر می‌بندد، درندگان با چهارپایان دیگر کنار می‌آیند و امنیت به گونه‌ای زیاد می‌شود که زن، راه بین عراق و شام را می‌پیماید و پای خود را جز بر سبزه و گیاه نمی‌گذارد و انبان (کیسه) خود را بر دوش دارد؛ نه درنده‌ای او را می‌ترساند و نه او از آنان

هراس دارد»^۱

امنیت زمان امام مهدی (عج) یک امنیت همه‌جانبه است؛ هیچ کس از دیگری ترسی ندارد، جان و مال و آبرو و اعتبار مردم محفوظ است و کم‌ترین اضطراب و دلهره‌ای نخواهد بود. وجود چنین امنیتی باعث می‌شود اعصاب مردم از هر ضعف و نقصانی در امان باشد و بیماری‌های عصبی که گسترده‌ترین بیماری‌های قبل از ظهور را تشکیل می‌دهد، ریشه‌کن گردد. وقتی مردم از یکدیگر احساس امنیت کنند، به یکدیگر اعتماد می‌کنند و از صمیم قلب به هم محبت می‌ورزند.

۹. سلامت کامل

با ظهور امام مهدی (عج)، هر گونه بیماری و ضعف و نقصی از مؤمنان برطرف می‌گردد و همگی سالم و شاداب خواهند شد؛ به گونه‌ای که مؤمن ضعیف، معلول یا مریضی نخواهد ماند. امام باقر (عج) فرمودند:

«هر کس زمان ظهور قائم خاندان ما را درک کند و دارای نقص و معلولیت باشد، سالم می‌شود و هر ضعیفی، توانمند و قوی می‌گردد»^۲

امام صادق (ع) نیز فرمودند:

«وقتی قائم (عج) ظهور کند، نقص و آفت را از هر مؤمنی

۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

۲. همان، ص ۳۳۵.

برطرف می‌سازد و توانایی او را باز می‌گرداند.^۱

۱۰. بی‌نیازی

عصر ظهور، عصر بی‌نیازی و رفع کامل محرومیت‌هاست. با ظهور امام مهدی (عج) چهره‌ی فقر و پریشانی از میان می‌رود و دیگر بی‌نیایی نخواهند بود. هر کسی به کاری مشغول می‌شود و بحران بی‌کاری محو خواهد شد. هر کس نیازمند باشد، امام مهدی (عج) به او عطا می‌کنند و البته عطایای آن حضرت بدون منت، بدون زحمت، بدون ذلت و همراه با گوارایی است.

رسول خدا (ص) فرمودند:

«عطای او (مهدی (عج)) گوارا است.»^۲

با این بی‌نیازی، دیگر کسی یافت نخواهد شد تا به او اتفاق شود، مستحق زکات پیدا نمی‌شود و گیرنده‌ی صدقه یافت نمی‌گردد، بلکه همه‌ی مردم قصد پرداخت دارند.

امام صادق (ع) فرمودند:

«وقتی قائم ما قیام کند... یکی از شما می‌خواهد زکات مال خود را بدهد، اما کسی را نمی‌یابد که از او بپذیرد. خداوند مردم را به فضل خود بی‌نیاز می‌گرداند.»^۳

۱. همان، ص ۳۶۴.

۲. کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۸۵.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

۱۱. وفور نعمت

عصر ظهور، عصر فوران نعمت‌هاست. زمین و آسمان، نعمت‌های خود را ارایه می‌دهند و مردم به صورت بی‌سابقه‌ای بهره‌مند می‌گردند.

رسول خدا ﷺ فرمودند:

«امت من در زمان مهدی علیه السلام از نعمت‌هایی برخوردار می‌شوند که در گذشته سابقه ندارد. آسمان پیاپی بر آن‌ها می‌بارد و زمین هر آنچه دارد، از درون خود خارج می‌کند.»^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«(با ظهور مهدی علیه السلام) انسان یک مد (سه چهارم کیلوگرم) دانه می‌کارد و هفتصد مد برای او می‌روید.»^۲

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند:

«خداوند از این امت مردی را آشکار می‌کند که او از من و من از او هستم و به وسیله‌ی او برکات آسمان‌ها و زمین را فرو می‌فرستد. پس آسمان بارانش را نازل می‌کند و زمین بذرش را بارور می‌گرداند و حیوانات وحشی و درندگان به امنیت می‌رسند و زمین را پر از قسط و عدل می‌کند؛ همان‌گونه که از ظلم و جور پر

۱. کشف الغم، ج ۳، ص ۲۶۷.

۲. عقد الدرر، ص ۲۰۰.

شده است.»^۱

۱۲. احیای معنوی زمین

پیش از ظهور، زمین به شرک و کفر و ظلم و گناهان ساکنان آن می‌میرد و در عصر شکوه‌مند ظهور، منجی عالم همه‌ی این عوامل را از میان می‌برد و ایمان و توحید و عدل و تقوا و عبادت را بر جای آن‌ها می‌نشانند و به زمین حیات می‌بخشد.

ابن عباس می‌گوید که رسول خدا ﷺ فرمودند:

«خدای تعالی فرمود: و به وسیله‌ی قائم شما زمینم را به تسبیح و تقدیس و تهلیل و تکبیر و تمجید خود آباد می‌گردانم و زمین را از دشمنانم پاک می‌کنم و اولیایم را وارث می‌گردانم.»^۲

امام باقر علیه السلام درباره‌ی آیه‌ی «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»^۳ (بدانید که خدا زمین را پس از مرگ آن زنده خواهد کرد) فرمودند: «آن را به وسیله‌ی قائم زنده خواهد کرد، بعد از آن که مرده است، و مراد از مرگ زمین، کفر اهل آن است و کافر، مردار است.»^۴

احیای زمین به احیای مردم است. امام مهدی (عج) چشمه‌ی

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶.

۲. همان، ص ۶۶.

۳. حدید، ۱۷.

۴. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۴.

حیات است؛ چنان که در زیارت روز جمعه آمده است:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ»

احیای مردم در رسیدن به چشمه‌ی حیات است. او دل‌های کویری و خشک را زنده می‌کند و در نتیجه انسان و زمین پس از آن که به کفر و شرک و ظلم و معصیت مرده بودند، زنده می‌شوند.

۱۳. رشد علمی

عصر ظهور، عصر شکفتن همه‌ی گل‌های علم و معرفت است. مردم آن زمان؛ آگاه، دانش‌دوست و طرفدار معرفت هستند و علوم الهی و طبیعی به اوج خود می‌رسد.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«در زمان او (مهدی علیه السلام) از حکمت برخوردار می‌شوید؛

به طوری که زن در خانه‌ی خود بر اساس کتاب خدا

و سنت رسول او حکم می‌کند.»^۱

از روایتی که بیان شد، معلوم می‌گردد در عصر ظهور، خانه‌های

مردم، خانه‌های علم و معرفت هستند؛ زیرا وقتی یک زن در منزل

خود بر اساس کتاب و سنت قضاوت کند، همسر او نیز از چنین

اطلاعاتی برخوردار خواهد بود؛ یعنی هر دو آگاه به مسایل دینی

هستند و فرزندان آن‌ها نیز با مراتب مختلف به آگاهی‌های دینی

دست خواهند یافت.

۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

امام صادق علیه السلام درباره‌ی رشد علوم در دوران حاکمیت حضرت ولی عصر (عج) می‌فرمایند:

«علم بیست و هفت حرف است و آنچه را که پیامبران آورده‌اند، دو حرف است. وقتی قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را خواهد آورد و در میان مردم منتشر می‌سازد و در مجموع، بیست و هفت حرف علم را منتشر خواهد کرد.»^۱

این یک انقلاب عظیم علمی خواهد بود که به یکباره علوم به سیزده برابر افزایش یابد و خدا می‌داند با این جهش خارق‌العاده‌ی علمی، چه تحولات عظیمی در مسایل صنعتی، پزشکی، اقتصادی، معماری، نجومی و بسیاری از شاخه‌های دیگر علم پیش خواهد آمد و چه رشته‌های جدید علمی ظهور خواهد کرد که تصور و درک آن برای ما دشوار و بلکه ناممکن است.

۱۴. رشد عقلی

قبل از ظهور، مردم به پیشرفت‌های علمی چشمگیری دست می‌یابند، اما رشد علمی آن‌ها توازنی با رشد عقلی آن‌ها ندارد، از این رو علم آن‌ها پیش از عقل آنان است و در نتیجه رفاه دارند، اما سعادت ندارند؛ چرا که علم رفاه می‌آورد، اما سعادت در گرو عقل است. یکی از تحولات مهم عصر ظهور، رهایی پرنده‌های عقل از

نفس هواهای نفسانی است. با این آزادی است که عقل‌ها رشد می‌کنند و همچنین زمینه‌های طبیعی رشد عقلی نظیر: حضور مردم در محضر عالم، مباحثه‌های فکری سالم و متعالی، تعمق در قرآن و روایات، نگرش در علوم و حکمت‌ها، و ترک سخنان و اعمال بی‌فایده و زاید، فراهم می‌گردد و بنا نهضت عظیمی که در خودسازی و تهذیب نفس مردم پیش می‌آید، عقل‌های آن‌ها چون درختانی که به برگ و گل می‌نشینند، شکوفا می‌گردند و مهم‌تر از همه‌ی مسایل، انقلاب ویژه‌ای است که امام مهدی (عج) در اكمال عقل‌ها پدید می‌آورند.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَهَا
عُقُولَهُمْ وَكَمَّلَتْ بِهَا أَحْلَامَهُمْ»^۱

وقتی قائم ما قیام کند، دست خود را بر سر بندگان می‌گذارد و در نتیجه عقل‌های آن‌ها را گرد آورده، خرد آنان را کامل می‌نماید.

با این رشد عقلی، مردم به خوبی سعادت و شقاوت را می‌شناسند، عاقبت‌نگر می‌شوند، گناه از زندگی آن‌ها رخت بر می‌بندد و جز خوبی، تقوا و عدالت را نمی‌شناسند و با هر حرکتی که کم‌ترین تضادی با عقل و دین و فطرت داشته باشد، با شگفتی روبرو می‌شوند و به رفاه همراه با سعادت دست می‌یابند و حکیمانه

۱. همان، ص ۳۲۸.

است که بگوییم: بسیاری از ارزش‌های متعالی عصر ظهور، ناشی از کمال عقلی مردم است که از نفس قدسی و نفس پاک آن مرد آسمانی سرچشمه می‌گیرد.

۱۵. عنایات ویژه‌ی الهی

عصر ظهور، عصر عنایات خاصّ خداوند به ساکنان زمین، به ویژه شیعیان، خواهد بود؛ به گونه‌ای که به یک زندگی شگفت‌انگیز دست خواهند یافت.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«وقتی قائم ما قیام کند، خداوند قوه‌ی شنوایی و بینایی شیعیان ما را به اندازه‌ی قوی می‌کند که بدون آن که بین آنها و قائم پیکی باشد، با آنها سخن می‌گویند و آنها می‌شنوند و او را می‌بینند؛ در حالی که در مکان خود قرار دارند.»^۱

البته همان‌گونه که در روایت آمده است، این امتیاز خاصّ شیعیان آن حضرت است که قبل از ظهور، شیعه بوده‌اند. شیعیان در عصر ظهور از عنایات ویژه‌ای برخوردارند که دیگران بهره‌مند نیستند و این به دلیل سبقت آنها در پیروی و طرفداری از حق در زمان حاکمیت باطل بوده است.

امام حسین علیه السلام فرمودند:

۱. همان، ص ۳۳۶.

«در زمان قائم، مؤمن از مشرق، برادر خود را در مغرب می بیند و او نیز برادرش را در مشرق مشاهده می کند.»^۱

ممکن است گمان شود که این روایت می تواند با وسایل و امکانات انجام گیرد، اما اگر توسط امکانات باشد که دیگر کرامت نخواهد بود و خاص شیعیان نیست و انحصاری به زمان ظهور ندارد؛ در حالی که این عنایات امتیازهایی است که به حسب روایت به شیعه داده می شود؛ به این معنا که دید آنها به اندازه ای قوی می گردد که می توانند از فضل الهی دورترین نقطه ای زمین را ببینند و صدایی را که می خواهند، از آنجا بشنوند؛ همان گونه که یاران حضرت با برخورداری از طی الارض در یک لحظه در هر نقطه ای از زمین که بخواهند، حضور پیدا خواهند کرد.

۱۶. شکل گیری دوستی های خالصانه

پیش از ظهور، دوستی های خالصانه به ندرت انجام می گیرد، اما در عصر ظهور که مردم در اوج علم و ایمان و خردمندی و کمالات نفسانی قرار می گیرند، زیباترین ارتباط های اجتماعی شکل می گیرد و ارتباط های دوستانه ای خالص، روال عادی و عمومی پیدا می کند و دیگر هیچ گونه شائبه و نیرنگ و ناخالصی در دوستی های مؤمنان وجود ندارد، و از آنجایی که وجه مشترک مردم

۱. همان، ص ۳۹۱.

به اوج گستردگی خود می‌رسد، همه یکدیگر را از خود می‌دانند، منیت‌ها به «ما» تبدیل می‌گردد و از صمیم قلب با یکدیگر دوستی می‌کنند.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«وقتی قائم قیام کند، دوستی خالص فرا می‌رسد و مردی بر سر جیب برادرش می‌رود و به اندازه‌ی نیاز خود برمی‌دارد و او هم ممانعت نمی‌کند.»^۱

۱۷. خارج شدن گنج‌های زمین

در عصر ظهور، تحولات چشمگیری در درون و بیرون زمین انجام می‌گیرد. تمام اشیای قیمتی که به طور طبیعی یا به دست بشر در آن پنهان شده است، از آن خارج می‌گردد و تمام گنج‌ها، معادن و میدان‌های نفتی و گازی آن در اختیار مصلح جهان قرار می‌گیرد و مردم از آن بهره‌مند می‌شوند. البته این امور شکل عادی نخواهد داشت، بلکه خداوند عنایت می‌کند و زمین به تعبیر روایات تکه‌های جگرش را بیرون می‌ریزد.^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«زمین گنجینه‌هایش را برای او خارج می‌سازد و او مال را بی‌شمار در میان مردم توزیع می‌کند.»^۳

۱. همان، ص ۳۷۲.

۲. همان، ص ۶۸.

۳. همان، ج ۵۱، ص ۶۸.

با این تحول اساسی، رونقی عظیم در اقتصاد جهان پدید خواهد آمد و چرخ صنعت به صورت روان و گسترده‌ای به کار خواهد افتاد و مردم در این وفور نعمت، رشد اقتصادی و رفاه بی‌سابقه‌ای خواهند داشت.

تحولات بعد از ظهور، بیش‌تر و گسترده‌تر از آن است که ما به آن پرداختیم. آنچه بیان گردید، بخش مهمی از تحولات بود که در روایات وارد شده است. زهی خجسته زمانی که یار باز آید تا از نزدیک وعده‌های الهی را مشاهده کنیم.

یاوران قیام

بیش‌ترین اصحاب خاص و کارگزاران حکومت حضرت مهدی (عج) از ایرانیان هستند. اصبع بن نباته در این باره می‌گوید:
روزی امام علی علیه السلام درباره‌ی مهدی (عج) و یارانش و اسامی آنها خطبه‌ای خواند. ابو خالد کلبی (کابلی) گفت: ای امیرالمؤمنین! برای ما توصیف کن او را.

حضرت فرمودند: بدانید که او شبیه‌ترین مردم در خلق و خوی و زیبایی به پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ آیا می‌خواهید شما را از یاران و تعدادشان آگاه کنم؟

گفتیم: بلی.

فرمودند: شنیدم از پیامبر صلی الله علیه و آله که اولین آنان از بصره و آخرینشان از یمامه است و شروع کردند به ذکر تمام یاوران او از شهرها و کشورها

و مناطق مختلف بیش‌ترین آن‌ها از ایران و به ترتیب از مناطق و شهرهای طالقان، قم، ری (و تهران)، خراسان، فارس، اصفهان، همدان، آبادان و اهواز، گرگان، قزوین، اردبیل و مراغه هستند.

در ادامه فرمودند: پیامبر ﷺ تا سیصد و سیزده نفر به تعداد نیروهای جنگ بدر برای من شمردند و فرمودند: «خداوند در کم‌ترین زمان آنان را از شرق و غرب در مسجدالحرام جمع می‌کند.»

اضافه بر آن‌ها، سفارش امام معصوم علیه السلام بر هجرت از عراق و حجاز به ایران و قم است و این که محل شیعیان ما و پناهگاه مدافعان اهل بیت علیهم السلام است.^۱

شاید مقصود از قم در بیان روایات ایران، خط علمی و فکری شیعی قم باشد. وقتی پیامبر ﷺ امتیاز قم را بیان کردند، راوی پرسید: ای رسول خدا! آیا این برتری و امتیاز مخصوص اهل قم است؟

حضرت فرمودند:

«نَعَمْ وَ مَنْ يَقُولُ بِمَقَالَتِهِمْ»

آری و هر کسی که مکتب قمی‌ها را معتقد باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی مردم قم را دعا می‌کنند، می‌فرمایند:

«رحمت و درود خدا بر مردم قم، و خدا سیراب نماید

شهرها و سرزمین‌های آنان را.»^۲

۱. بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴.

۲. همان، ص ۲۱۸.

قم قبل از ظهور

زمینه‌سازی فکری و فرهنگی قیام جهانی مصلح موعود، بیش از همه از قم خواهد بود. آنان آمادگی پذیرش رهبری دینی و مقررات اسلام راستین و کارگزاران صالح و شایسته را در عالم ایجاد می‌کنند. امام کاظم علیه السلام می‌فرمایند:

«مردی از اهالی قم مردم را به حق دعوت می‌کند. گروهی که دل‌هایشان چون پاره‌ای آهن استوار است و طوفان‌های سخت آنان را نمی‌لرزاند، از جنگ خسته نمی‌شوند و از دشمن نمی‌ترسند، بر خدا توکل می‌کنند و عاقبت (نیک و پیروزی) از آن تقوا پیشگان است.»^۱

در این روایت، به شخصیت دعوت‌کننده، نوع دعوت به حق و سعادت و ویژگی یارانش، و نیز نویند پیروزی و موفقیت او با تحمل و تلاش و توکل اشاره شده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«خدای سبحان، قم و اهلش را برای رساندن پیام اسلام، قائم مقام حضرت ولی عصر (عج) می‌گرداند و دانش از این شهر به شرق و غرب عالم منتشر می‌گردد و آن‌گاه قائم ظهور می‌کند.»^۲

بصری می‌گوید که امام صادق علیه السلام به من فرمودند: «آیا می‌دانی

۱. همان، ص ۲۱۶.

۲. عقدا لدر، ص ۱۲۵.

چرا قم، قم نامیده شده است؟»

گفتم: خدا و رسولش و شما داناترید.

فرمودند: «قم نامیده شد، چون اهل آن با قائم آل محمد همراه

می‌شوند و با او قیام می‌کنند و استوار و پایدار او را یاری می‌کنند.»^۱

ز قم آفاق عالم غرق نورست

قم آری مشعل دست ظهور است

بلی در لفظ قم حرف خطاب است

که قم در معنی خود انقلاب است

ز بس قم را در این آیین مقام است

قعود شهر قم عین قیام است

که قم در عصر ما تجدید دین کرد

ز نو احیای نفس مؤمنین کرد

بدان ای بی‌خبر در قم خبرهاست

امام عصر را با قم نظرهاست^۲

به نظر برخی از بزرگان، قم را امام باقر علیه السلام در سال ۷۳ هجری در

وسط ایران برگزیدند، تا علوم نبوی و علوی و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله را به

دور از توطئه‌های بنی‌عباس و مخالفان حفظ و منتشر کنند و مردمش

را به زمینه‌سازی و یاری ولایت و امام مهدی علیه السلام پرورش دهند.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

۱. عصر ظهور، ص ۱۶۶.

۲. احمد عزیزی.

فصل چهارم: دوران ظهور ■ ۹۱

«به زودی کوفه از مؤمنان خالی می‌شود و علم از آنجا جمع می‌گردد؛ همان‌گونه که مار در لانه‌اش جمع می‌شود. سپس علم و دانش در شهری به نام قم ظاهر خواهد شد و آنجا مرکز علم و فضیلت گردد، تا جایی که هیچ‌کس حتی زنان خانه‌دار در رابطه با دین، مستضعف و ناآگاه نمی‌مانند و این امر نزدیک ظهور قائم ما (حضرت مهدی علیه السلام) است...»

پس دانش از قم به کشورهای شرق و غرب عالم می‌رسد و حجت خدا بر خلق تمام گردد؛ به گونه‌ای که هیچ‌کس روی زمین نمانده که دین و دانش به او نرسیده و ابلاغ نشده باشد. آن‌گاه (پس از مدتی) قائم ظاهر می‌شود و عامل خشم و انتقام خدا از بندگان (آنان که در برابر حق و نجات محرومان و احیای عدالت می‌ایستند) خواهد شد، زیرا خداوند از بندگان انتقام نمی‌گیرد و کیفر نمی‌دهد، مگر بعد از آن که حجت (حقایق دین و پیشوای پاک عدالت‌گستر) را انکار نمایند (و در برابر آنان صف‌آرایی کنند).»^۱

امام رضا علیه السلام در شأن قم می‌فرمایند:

«هرگاه فتنه فراگیر شد، به قم و حوالی و نواحی آن

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳؛ منتخب الاثر، ص ۴۴۳؛ یوم الخلاص، ص ۲۸۰.

پناه ببرید، زیرا بلا از آن برداشته شده است.»^۱

از حضرت علی علیه السلام سؤال شد: در هنگام نزول فتنه‌ها و ظاهر شدن شمشیرها و هجمه‌ها، سالم‌ترین و بهترین شهرها و مناطق کجاست؟

حضرت فرمودند:

«سالم‌ترین مواضع در آن روز سرزمین قم است؛

شهری که یاران برترین انسان‌ها از حیث پدر و مادر و

جد و جده از آنجا قیام می‌کنند.»^۲

حضرت علی علیه السلام امتیاز قم را در اعتقاد به ولایت و مهدویت و

خیزش‌های حمایتی از امام زمان (عج) می‌دانند.

بیاع سابری می‌گوید: روزی نزد امام کاظم علیه السلام بودیم؛ پس صحبت

قم و اهل قم و تمایل و اشتیاق آنان به حضرت مهدی (عج) شد.

امام علیه السلام فرمودند: «خداوند از آنان راضی باشد.»

امام کاظم علیه السلام سپس افزودند:

«برای بهشت هشت درب هست که یکی از آنها برای

اهل قم می‌باشد و اینان شیعیان خوب ما از میان دیگر

شهرهایند و خداوند ولایت و محبت ما اهل بیت را

در ذات آنان عجين کرده است.»^۳

در این روایت، اساس امتیاز در ولایت‌پذیری و اشتیاق به امام

۱. بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۷.

۲. همان.

۳. همان، ص ۲۱۶.

زمان (عج) و زمینه‌سازی فرهنگی قم است.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«...به راستی خدا حرمی دارد و آن مکه است و

پیامبرش حرمی دارد و آن مدینه است و امیرالمؤمنین

حرمی دارد به نام کوفه و همانا برای ما اهل بیت علیهم السلام

حرمی قرار داده شده که عبارت است از سرزمین قم،

و به زودی بانویی از فرزندان من به نام فاطمه در آن جا

دفن می‌شود. پس هر کس (از شیعیان) او را زیارت

کند (به برکت و شفاعت آن بانو) بهشت بر او واجب

گردد (و شایستگی ورود به بهشت را پیدا نماید).»^۱

این پیشگویی و کرامت کلام امام صادق علیه السلام قبل از تولد حتی

پدر حضرت فاطمه‌ی معصومه علیها السلام، یعنی امام کاظم علیه السلام بوده است.

امام صادق علیه السلام همچنین می‌فرمایند:

«آن‌گاه که شما را گرفتاری و رنجی وارد شد، پس بر

شما باد به قم (و هجرت به عنوان تاکتیک)؛ چرا که

آن‌جا محل فاطمیان و استراحتگاه مؤمنان است و

روزگاری خواهد آمد که دوستان و یاران را از ما دور

و تبعید می‌کنند و این به مصلحت آنان بوده تا به

ولایت و دوستی ما شناخته نشوند و جان‌ها و

اموالشان محفوظ ماند، و هیچ‌کس قصد سوء و تجاوز

به قم و مردمش را ننمود، مگر آن که خداوند او را
ذلیل و از رحمتش دور کرد.»

قیام خراسانی

یکی از رویدادهای مهم و سرنوشت‌ساز تاریخ آینده در آستانه‌ی
ظهور منجی بشریت، قیام قطعی سید هاشمی (حسنی یا حسینی)
خراسانی از ایران است، که امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«حسنی،^۱ جوانمرد خوشرو و خوش‌بیانی است که از
طرف دیلم قیام می‌کند و با بیانی فصیح فریاد می‌زند:
ای آل محمد! اجابت نمایید اندوهناک را و آن که از
کنار ضریح دعوت و ندا می‌کند. پس گنجینه‌های
خدایی از طالقان او را اجابت می‌نمایند. آن‌ها گنج‌های
طلا و نقره نیستند، بلکه مردانی‌اند همانند قطعه‌های
آهن، بر اسب و مرکب‌های چابک سوار شده،
حربه‌هایی به دست دارند و ستمگران را می‌کشند، تا
آن که وارد کوفه می‌شوند؛ در حالی که بسیاری از

۱. عصرالظهور، ص ۱۸۳؛ و المهدی الموعود المنتظر، ص ۵۸ در مصادر اهل تسنن از او به
عنوان ذریه‌ی امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام یاد شده و شاید نام او رمزی باشد تا محفوظ
بماند و به هر حال طبق روایات، شخص معینی است که رهبر مکتبی (اهل خراسان و
ایرانیان) یا فرمانده سپاهیان می‌باشد، که نیروهایش را بعد از پیوستن شعیب بن صالح به او
و معرفی به عنوان فرمانده نظامی، به عراق برای سرکوب سفیانی می‌فرستد و آخرین حاکم
ایران قبل از ظهور است و بین قیام شعیب بن صالح تا تسلیم ابریه حضرت مهدی (عج)
هفتاد و دو ماه (شش سال) طول می‌کشد.

جاهای زمین از بی‌دینان پاک گشته است و سید حسنی آن‌جا را محل اقامت قرار می‌دهد. آن‌گاه خبر ظهور حضرت مهدی علیه السلام به او و اصحابش می‌رسد. یارانش به او می‌گویند: ای فرزند پیامبر! این کیست که در قلمرو ما فرود آمده؟ می‌گوید: برویم ببینیم کیست؛ در صورتی که به خدا سوگند حسنی می‌داند که او مهدی علیه السلام است، ولی این‌گونه سخن می‌گوید تا آن حضرت را به اصحابش بشناساند. آن‌گاه سید حسنی حرکت می‌کند تا به حضرت مهدی علیه السلام (عج) می‌رسد، که با مشاهده‌ی یادگاری‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام فضیلت حضرت مهدی علیه السلام (عج) را به یارانش می‌نمایاند. سپس سید حسنی می‌گوید: الله اکبر ای فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و همه با او بیعت می‌کنند.^۱

ویژگی‌های یاران حضرت مهدی علیه السلام (عج)

یاران خاص مصلح جهان دارای ویژگی‌هایی هستند، که در این بحث به مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم.

۱. جوانی

سیمای امام مهدی علیه السلام (عج) سیمای کسی است که قریب به چهل

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۵.

سال از عمر او گذشته باشد و یاران خاص او نیز از جوانانند؛ یعنی سن اکثر آنها هماهنگ با مولای آنهاست که جوان به شمار می آیند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ شَبَابٌ لَا كُهُولٌ فِيهِمْ إِلَّا مِثْلُ كُحْلِ الْعَيْنِ
وَالْمِلْحِ فِي الزَّادِ وَأَقْلُ الزَّادِ الْمِلْحُ»^۱

اصحاب مهدی جوانند؛ کامل سن در میان آنها نیست، مگر مثل سرمه‌ی چشم و نمک در غذا، و کم‌ترین چیز در غذا نمک است.

اما چه حکمتی در جوانی آنها نهفته است؟ خداوند به حقایق امور آگاه است. شاید دلیل آن این باشد که آنها تا پایان حاکمیت آن حضرت با او همراه باشند و سن جوانی این امکان را به آنها می‌دهد که تا او زنده است، آنها هم در کنار آن حضرت باشند و شخصیت جدیدی جایگزین آنها نگردد؛ چرا که کسی پس از آنها به رتبه‌ی بلند آنان نمی‌رسد و هر جایگزینی می‌تواند سبب تنزل کیفی دولت کریمه‌ی ولی عصر (عج) شود. این که سخنی از مرگ اصحاب امام مهدی (عج) که زمام امور عالم را به دست می‌گیرند، نشده، قرینه‌ای بر قوت این احتمال است. این دلیل وقتی قوت بیش‌تری می‌گیرد که حکومت آن حضرت هفت سال باشد، که هر سال آن معادل ده سال است؛ چنان که روایاتی در این باره وارد

۱. همان، ج ۵۲، صص ۳۳۳ - ۳۳۴.

شده است و البته ارقام بالاتری هم درباره‌ی مدت حاکمیت آن حضرت وجود دارد.

پس از امام مهدی (عج)، امام حسین علیه السلام که به دنیا رجعت خواهند نمود، حکومت آل محمد را با همان موقعیت و شکوه قبلی ادامه خواهند داد.

حضور یاران خاص امام مهدی (عج) در دولت کریمه‌ی امام حسین علیه السلام که روایات متعددی بر آن وارد شده است، نقطه‌ی قوتی بر آن حکومت الهی خواهد بود و این حضور بدون جوان بودن اصحاب مهدی (عج) امکان‌پذیر نیست.

۲. معنویت

بدون شک کسانی که به افتخار بزرگ صحابی ولی عصر (عج) نایل می‌شوند، باید از رتبه‌ی بالایی در معنویت، عرفان و عبادت برخوردار باشند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«یاران مهدی کسانی هستند که شب بیدارند و در نماز خود نغمه‌ای مانند صدای زنبور دارند. شب را بیدارند و به عبادت می‌پردازند و روز مانند شیرند. مطیع‌تر از کنیز برای مولای خویش و همانند چراغ نورانی هستند. گویا قلب‌های آنها چراغ‌هایی است که از خوف خدا پیمناکند.»^۱

۳. شهادت طلبی

شهادت طلبی، ویژگی خدشه ناپذیر همه‌ی کسانی است که از سطح عامه‌ی مردم اوج گرفته و بر قله‌های کمال تکیه زده‌اند. وقتی انسان به برخی از مراتب کمال برسد، غنچه‌های شهادت طلبی بر شاخه‌های درخت ایمان او شکفته می‌گردد و همواره مرغ دلش در کنار این گل‌های ملکوتی، نغمه‌سرایی می‌کند تا به عالم بالا پرکشد. یاران امام مهدی (عج) - که مقام آنها همواره مورد درخواست اولیای خدا و از آرزوهای مقدس آنها بوده است - نیز آرزوی شهادت در راه خدا می‌کنند تا به عالی‌ترین جلوه‌ی ایثار یعنی دادن جان خود در راه خدا برسند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«يَدْعُونَ الشَّهَادَةَ وَيَتَمَنُّونَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ شِعَارُهُمْ
يَا لِنَارَاتِ الْحُسَيْنِ»^۱

(اصحاب مهدی علیه السلام) طلب شهادت می‌کنند و آرزو دارند که در راه خدا کشته شوند و شعار آنها در جنگ یالنارات الحسین است.

البته پاداش شهدای عصر ظهور بسیار زیادتر از شهدای زمان‌های دیگر است.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«کسی که زمان قائم ما را درک کند و با او کشته شود،
اجر دو شهید دارد و کسی که در برابر او کشته شود،
اجر بیست شهید دارد.»^۱

۴. اقتدار

قوت قلب و اقتدار اصحاب مهدی (عج) بی نظیر است؛ به
گونه‌ای که تاریخ نظیر آن را سراغ ندارد.
امام صادق علیه السلام فرمودند:

«وقتی امر ما فرا رسد و مهدی ما قیام کند، هر یک از
یاران او نیرومندتر از شیر و برنده‌تر از نیزه‌اند. دشمن
را زیر قدم‌هایشان می‌گذارند و با دست‌های خود از پا
در می‌آورند.»^۲

و در حدیث دیگر فرمودند:

«خداوند ترس را از دل شیعیان ما برمی‌دارد و در
دل‌های دشمنانمان قرار می‌دهد.»^۳

همچنین فرمودند:

«قدرت هر یک از آنها برابر قدرت چهل مرد است و
قلب آنان از تکه‌های آهن محکم‌تر است.»^۴

۱. همان.

۲. همان، ص ۳۷۲.

۳. همان، ص ۳۳۶.

۴. کمال‌الدین، ص ۶۷۳.

امام باقر علیه السلام نیز در باره‌ی اقتدار جهانی آن‌ها فرمودند:
 «گویی اصحاب قائم را به چشم خود می‌بینم که تمام
 شرق و غرب عالم را تحت سیطره‌ی خود
 درآورده‌اند.»^۱

۵. بهره‌مندی ممتاز از علوم

اصحاب امام مهدی (عج) از جایگاه فوق‌العاده‌ای در اداره‌ی دنیا
 برخوردارند و چنین جایگاهی بر پایه‌های مستحکمی از جمله
 موقعیت علمی ممتاز استوار است.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«آن‌ها انسان‌هایی نجیب و فقها، قضات و حکام دین
 هستند که دست امام، قلب آن‌ها را نوازش داده، هیچ
 حکمی برای آن‌ها مشتبه نخواهد شد.»^۲

اگر چه دست کم، عده‌ای از اصحاب حضرت پیش از ظهور به
 برخی از موقعیت‌های علمی دست می‌یابند، اما نیاز آن‌ها با توجه به
 مسؤولیت خطیری که دارند، جز با دست‌گیری‌های خاص و
 امتیازهای ویژه‌ی علمی برآورده نخواهد شد. یکی از این عنایات
 ویژه، همان است که در روایت بیان شد که دست پر مهر امام (عج)
 قلب‌های آن‌ها را نوازش می‌دهد. ماهیت این نوازش هر چه باشد،

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

۲. دلائل الامامه طبری، ص ۵۶۲.

نتیجه‌ی آن ارتقای ویژه‌ی علمی آنان است؛ به گونه‌ای که جهل و اشتباه را از اندیشه و داوری آن‌ها برطرف خواهد کرد.

عنایات دیگر علمی به اصحاب امام مهدی (عج) این است که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«وقتی قائم ما قیام کند، به هر کشوری مردی را می‌فرستند و به او می‌گویند: برنامه‌ی تو در کف دست توست. پس هرگاه امری پیش آمد که آن را نمی‌فهمی و نمی‌دانی چگونه باید درباره‌ی آن قضاوت کنی، به کف دست خود نگاه کن و به آنچه در آن می‌بینی، عمل کن.»^۱

شمشیرهای اصحاب مهدی (عج) نیز آنان را از توانمندی علمی و گسترده‌ای برخوردار می‌کند، که ما در این جا به یک روایت اکتفا می‌کنیم.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«بر هر شمشیری هزار کلمه نوشته شده و هر کلمه‌ای کلید هزار کلمه‌ی دیگر است.»^۲

۶. موقعیت بی‌نظیر

اصحاب امام مهدی (عج) در صدر بلند مرتبگان عالم تشیع‌اند و در میان اصحاب انبیا و ائمه علیهم السلام کسی به بلندای مقام آن‌ها بار نیافته و

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۵.

۲. همان، ص ۲۸۶.

نخواهد یافت؛ همچنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«لَمْ يَسْبِقَهُمُ الْأُولُونَ وَلَا يَدْرِكُهُمُ الْآخِرُونَ»^۱

کسی از گذشتگان بر آنها پیشی نگرفته است و از آیندگان کسی به آنها نمی‌رسد.

امام باقر علیه السلام نیز درباره‌ی جایگاه بلند آنها فرمودند:

«گویا اصحاب قائم را می‌بینم که بر مغرب و مشرق احاطه پیدا کرده‌اند و چیزی نیست مگر این که مطیع آنهاست؛ حتی درندگان زمین و آسمان به دنبال رضایت آنها هستند و بخشی از زمین بر بخشی دیگر افتخار می‌کند و می‌گوید: امروز یکی از اصحاب قائم از روی من عبور کرد.»^۲

۱. معجم احادیث الامام المهدي، ج ۳، ص ۱۰۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.



فصل پنجم

دعا برای تعجیل فرج

دعای فرج (الهی عظم البلاء)

مرحوم کفعمی در کتاب «البلد الامین» دعایی را برای حضرت امام زمان (ارواحنا فداء) نقل می فرماید، که آن حضرت آن دعا را به مردی که زندانی بود، یاد می دهند و بعد از خواندن، او از زندان آزاد می شود. آن دعا این است:

اَللّٰهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ، وَبِرْحَ الْخَفَاءِ، وَانْكَشَفَ الْغَطَاءِ، وَانْقَطَعَ
الرَّجَاءِ، وَضَاقَتِ الْاَرْضُ وَتَمِنَتِ السَّمَاءُ، وَانْتَ الْمُسْتَعَانُ،
وَإِلَيْكَ الْمُسْتَكِي، وَعَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ.
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اُولٰى الْاَمْرِ الَّذِيْنَ قَرَضْتَ
عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ، وَعَرَّفْتَنَا بِذَلِكَ مَنَزِلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَلَيْنَا بِحَقِّهِمْ
فَرَجًا حَاجِلًا قَرِيْبًا كَلْمَحِ الْبَصْرِ اَوْ هُوَ اَقْرَبُ.

يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيَّ، يَا عَلِيَّ يَا مُحَمَّدُ، إِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِ،
وَأَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَانِ.

يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ، أَذْرِكُنِي
أَذْرِكُنِي أَذْرِكُنِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ، الْعَجَلَ الْعَجَلَ
الْعَجَلَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ»^۱

خدایا! بلا و مصیبت بزرگ شد و پنهانی برطرف
گشت (آنچه پنهان بود، آشکار شد) و پرده (از کار ما)
برداشته شد و امید قطع شد و زمین (بر ما) تنگ آمد
و آسمان (رحمتش را از ما) دریغ کرد و تنها تویی که
از تو یاری خواسته می‌شود و شکایت نزد تو آورده و
در سختی و سستی بر تو اعتماد می‌شود.

خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست؛ همان
صاحبان امری که اطاعت آن‌ها را بر ما واجب کردی
و به این وسیله، مقام و منزلت آنان را به ما شناساندی،
پس به حق آنان برای ما گشایش فوری و نزدیکی
چون چشم بر هم زدن یا نزدیک‌تر از آن مرحمت
فرما.

ای محمد، ای علی؛ ای علی، ای محمد! مرا کفایت
کنید که همانا شما کفایت‌کنندگان من هستید و مرا
یاری کنید که همانا شما یاری‌کنندگان من هستید.

۱. البلد الأمين، ص ۶۰۷؛ المصباح، ص ۲۳۵؛ منهاج العارفين، ص ۴۸۳.

فصل پنجم: دعا برای تعجیل فرج ■ ۱۰۷

ای مولای ما، ای صاحب الزمان، به فریاد رس! به فریاد رس، به فریاد رس، به فریاد رس؛ مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب؛ هم اکنون، هم اکنون، هم اکنون؛ به شتاب، به شتاب، به شتاب؛ ای مهربان‌ترین مهربانان، به حق حضرت محمد و خاندان پاکش.

دعای بعد از نماز صبح

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمته در کتاب «مصباح الزائر» می‌نویسد: این دعایی است که هر روز صبح پس از نماز صبح، مولای ما امام زمان (ارواحنا فداه) با آن زیارت می‌شود:

«اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَيْهَمُ وَمَيْتِهِمْ، وَعَنْ وَالِدَيَّْ وَوَلَدِي، وَعَنْيَ مِنَ الصَّلَوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمُنْتَهَى رِضَاهُ، وَعَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي كُلِّ يَوْمٍ، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً فِي رَقَبَتِي.

اللَّهُمَّ كَمَا شَرَّفْتَنِي بِهَذَا التَّشْرِيفِ، وَفَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ، وَخَصَّصْتَنِي بِهَذِهِ النُّعْمَةِ، فَصَلِّ عَلَى مَوْلَايَ وَسَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَالدَّائِمِينَ عَنْهُ، وَ

اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، طَائِعاً غَيْرَ مُكْرَهٍ فِي
الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَّ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ وَصَفًا كَانَتْهُمْ بُيَانُ
مَرْصُوصٍ، عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَإِلَيْهِ عَلَيْهِمُ
السَّلَامُ.

اللَّهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَكَ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.^۱

خداوند! بربسان به مولایم صاحب الزمان - که
درودهای خدا بر او باد - از سوی تمام مردان و زنان
مؤمن در شرق و غرب زمین و در خشکی و دریا و
بیابان و کوه، زنده و مرده‌ی آنها، و از سوی پدر و
مادر و فرزندانم و خودم، درود و تحیتی هم‌سنگ
عرش الهی و گستردگی کلمات او و نهایت رضایتش،
و آن مقدار که کتابش آورده و علمش به آن احاطه
دارد.

یارالها! در امروز و در هر روز، عهد (زبانی) و پیمان
(قلبی) و بیعت (عملی) که نسبت به او بر گردنم
است، تجدید می‌کنم.

خداوند! همان گونه که مرا به این شرافت سرافراز
کردی، و به این فضیلت برتری دادی، و به این نعمت
مخصوص گردانیدی، پس بر مولایم و آقایم

۱. زاد المعاد، ص ۴۸۷؛ مصباح الزائر، ص ۴۵۴؛ بعضی از بزرگان این دعا را در بخش
زیارت‌ها ذکر کرده‌اند، زیرا این دعا به منزله‌ی بیعت با امام زمان (عج) است.

فصل پنجم: دعا برای تعجیل فرج ■ ۱۰۹

صاحب‌الزمان درود فرست و مرا از یاوران و پیروان و مدافعانش قرار بده و مرا از شهادت طلبان در پیشگاه و رکاب همایونی او قرار بده، که با تمام شوق آرزوی شهادت می‌کنند نه با اجبار در صفتی که اهل آن را در قرآنت وصف کرده‌ای و گفתי: «صف بسته‌اند، گویی اینان بنیانی آهنین هستند» در فرمان‌برداری تو و رسالت و آل او، که بر ایشان درود باد. خداوند! این بیعتی است برای او در گردنم تا روز قیامت.

دعای عهد

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«هرکس با این عهد، چهل بامداد به درگاه خداوند متعال دعا کند، از یاران قائم ما خواهد بود، و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند متعال او را از قبرش بیرون می‌آورد (تا ظهور آن حضرت را درک کند) و به ازای هر کلمه، هزار حسنه به او عطا می‌نماید و هزار گناه را (از کارنامه‌ی اعمالش) محو می‌کند.»^۱

آن عهد چنین است:

«اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَرَبَّ
الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ، وَمُنزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ، وَرَبَّ
الظُّلِّ وَالْحَرُورِ، وَمُنزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ
الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ
الْكَرِيمِ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، يَا حَيُّ يَا
قَيُّوْمُ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ،
وَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَضْلَعُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ. يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ
حَيٍّ وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ، يَا مُجِيبِي
الْمَوْتَى وَتُمِيتَ الْأَحْيَاءِ، يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمُهَدِّيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ، صَلَوَاتُ
اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ، عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا وَبَرِّهَا وَ
بَحْرِهَا، وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدِي مِنَ الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَ
مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَ مَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَكَ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عِشْتُ مِنْ
أَيَّامِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَكَ فِي هُنْفِي، لِأَحْوَالِ عَنِّي
وَلَا أَرْوُلُ أَبَدًا.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَاعْوَانِهِ، وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ، وَ
الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ، وَالْمُسْتَلِينَ لِأَوَامِرِهِ، وَ

المُحَامِينَ عَنْهُ، وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.
اللَّهُمَّ إِنَّ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا
مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِ مُؤْتَزِرًا كَفَنِي، شَاهِرًا سَيْفِي،
مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلَبِّيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي.

اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَ اكْحُلْ نَاطِرِي
بِنَظَرَةٍ مَنَى إِلَيْهِ، وَ عَجَّلْ فَرَجَهُ، وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَ أَوْسِعْ
مَنْهَجَهُ، وَ اسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ وَ أَنْفِذْ أَمْرَهُ، وَ اشْدُدْ أَرْزَهُ، وَ اغْمِرِ
اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ، وَ آخِي بِهِ عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ،
﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾، فَأَظْهِرِ
اللَّهُمَّ لَنَا وَ لِيكَ وَ ابْنِ بَيْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ، حَتَّى
لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرَّقَهُ، وَ يَحِقُّ الْحَقُّ وَ يَحَقُّقُهُ، وَ
اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ، وَ نَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ
نَاصِرًا غَيْرَكَ، وَ مُجَدِّدًا لِمَا عَطَلَّ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَ مُشِيدًا لِمَا
وَرَدَ مِنْ أَغْلَامِ دِينِكَ، وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ
اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّتْهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ.

اللَّهُمَّ وَ سِرِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِرُؤْيَيْهِ، وَ مَنْ تَبِعَهُ
عَلَى دَعْوَتِهِ، وَ أَرْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا بَعْدَهُ.

اللَّهُمَّ اكْثِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَ عَجِّلْ لَنَا
ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَ نَرِيهِ قَرِيبًا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ.

خدایا! ای پروردگار روشنی بزرگا ای پروردگار جایگاه بلندمرتبه! ای پروردگار دریای بی‌پایان! و ای فرو فرستنده‌ی تورات و انجیل و زبور! و ای پروردگار سایه و آفتاب! و ای فرو فرستنده‌ی قرآن بزرگا! و ای پروردگار فرشتگان مقربا! و ای پروردگار پیامبران و رسولان! بار خدایا! من از تو درخواست می‌کنم به ذات کریمت، و به روشنی رخ روشنی‌بخشت، و فرمان‌روایی بی‌آغازت، ای زنده‌ای پایدار! درخواست می‌کنم به واسطه‌ی نامت؛ همان نامی که آسمان‌ها و زمین‌ها به سبب آن روشن گردید؛ همان نامی که پیشینیان و آیندگان با آن شایسته می‌شوند. ای زنده پیش از هر زنده! و ای زنده پس از هر زنده! و ای زنده‌ای که زنده بودی در حالی که هیچ کس زنده نبود! ای زنده‌کننده‌ی مردگان و ای میراننده‌ی زندگان! ای زنده‌ای که جز تو معبودی نیست!

بار خدایا! به مولای ما، یعنی پیشوای هدایتگر هدایت‌شده‌ای که به دستور تو قیام می‌کند - درود خدا بر او و بر تمام نیاکان پاکیزه‌اش باد - سلام برسان؛ درودی از طرف همه‌ی مؤمنان زن و مرد که در شرق و غرب زمین، بیابان و کوهسار، دریا و یا خشکی زمین هستند. سلامی از من و پدر و مادرم، سلام‌ها و

درودهایی که هم‌سنگ عرش الهی و به قدر گستردگی کلمات او باشد؛ آن قدر که علم خدا آن را شماره کند و کتاب الهی به آن احاطه دارد.

بارخدایا! من در این صبحدم و در ابتدای این روز نو، و تمام ایام زندگانی‌ام، بیعت و پیمان و قراردادی را با آن عزیز می‌بندم که هیچ‌گاه و به هیچ وجه از آن برنخواهم گشت و هرگز آن را از بین نمی‌برم.

خداوند! مرا از یاران و کمک‌رسانان و حمایت‌کنندگان و مدافعان آن بزرگوار قرار ده؛ جزو گروهی که به سرعت برای انجام خواسته‌های او به سوی من می‌شتابند، جزو دسته‌ای که دستورات او را بدون کم و زیاد انجام می‌دهند، جزو حمایت‌کنندگان از او و پیشی‌گیرندگان برای انجام امور دلخواه او و شهادت‌طلبان در پیش‌روی او قرار ده.

بارخدایا! از تو می‌خواهم که اگر مرگ - که آن را یک امر حتمی و قطعی برای بندگانت قرار داده‌ای - بین من و آن عزیز حایل شد، مرا در قبرم از حالی خارج کن که کفنم را به کمر بسته‌ام، شمشیرم را برهنه کرده‌ام، نیزه‌ام را آماده نموده‌ام و فراخوانی شخصی را که دعوت‌کننده به سوی اوست، لَبَّیک گفته و پاسخ مثبت می‌دهم؛ فراخوانی همان کسی که در شهرها و

صحراها ندا می دهد.

بارخدایا! آن رخسار زیبای جذّاب، و روی نورانی دوست‌داشتنی را به من نشان بده؛ و سرمه‌ی دیده‌ام را نگاهی به آن عزیز قرار ده و در گشایش امورش شتاب کن، و شرایط قیام او را آسان گردان، و راهش را برای دستیابی به مقاصدش گسترش ده، و مرا نیز راه‌پیمای راه روشن او گردان و دستوراتش را نافذ کن و پشتش را محکم کن.

خدایا! با حضور او سرزمین‌ها و شهرهایت را آباد گردان، و بندگان را زنده گردان، زیرا تو فرموده‌ای - به خوبی نیز می‌دانم که گفته‌های تو حق است - که «پیش از آن که آن بزرگوار ظهور فرماید) فساد در خشکی و دریا آشکار شده که به دست مردمان به بار آمده است»؛ پس، ای خدا! ولیّ و نماینده‌ی خودت را که پسر دختر پیامبرت می‌باشد و هم‌نام فرستاده‌ی تو - محمد ﷺ - است؛ برای ما آشکار کن، تا هر باطل و نادری را نابود کند و بر آن پیروز گردد. و حق را پایدار و محقق فرماید.

خدایا! او را پناه ستمدیدگان از بندگان، و یار و یاور کسانی قرار ده که جز تو یآوری برای خود نمی‌یابند، و خدایا! او را تجدیدکننده‌ی آن دستورات کتابت

(قرآن) قرار ده که تعطیل شده است؛ و محکم کننده‌ی نشانه‌های آشکار دینت، و روش‌های نیکوی پیامبرت - که درود بر او و خاندان او باد - قرار ده. خدای من! او را جزو کسانی قرار ده که از بدی و عذاب تجاوزکاران در امان می‌داری.

خدایا! پیامبرت حضرت محمد - که درود بر او و خاندان او باد - را با دیدن این فرزند شایسته‌اش و کسانی که از دعوت او پیروی نموده‌اند، شاد و خوشحال فرما و به بیچارگی ما که با غیبت او به وجود آمده است، رحم کن.

خدایا! این اندوه و افسردگی را با حضور آن عزیز پنهان شده، از این امت برطرف کن؛ و در ظهور و آشکار شدن او شتاب کن؛ چرا که آنها (دشمنان تو) زمان ظهور او را دیر وقت می‌پندارند، ولی ما آن را نزدیک می‌دانیم. البته به امید و رحمت و مهربانی تو، ای مهربان‌ترین مهربانان!

آنگاه سه مرتبه دست بر زان راست خود می‌زنی و در هر مرتبه

می‌گویی:

«الْعَجَل، الْعَجَل، يَا مَوْلَايَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ»^۱

۱. صحیفه‌ی مهدیه، ص ۳۳۳؛ به نقل از البلد الامین، ص ۱۲۴؛ مصباح الزائر، ص ۴۵۵؛
المصباح، ص ۷۲۹.

بشتاب، بشتاب، ای مولای من! ای صاحب اختیار
زمان!

زیارت آل یاسین

هرگاه خواستید به واسطه‌ی ما، به خداوند تعالی و نیز به سوی
ما توجه کرده و روی آورید؛ همان گونه که خدای تعالی فرموده
است، بگویید:

«سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسٍّ»، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي
آيَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَانَ دِينِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ
إِرَادَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ فِي أَنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ
فِي أَرْضِيهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِشَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ
الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعَفْوُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ،
وَعْدًا غَيْرَ مَكْذُوبٍ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَتَقْنُتُ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَ

تُكَبِّرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ
تُضْبِحُ وَتُمْسِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَ النَّهَارِ إِذَا
تَجَلَّى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ.

أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ لَإِلَهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ،
وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَ أَهْلُهُ، وَ أَشْهَدُكَ يَا
مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ، وَ الْحَسَنَ حُجَّتُهُ، وَ
الْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ، وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ
حُجَّتُهُ، وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ، وَ
عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتُهُ، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَ عَلِيَّ بْنَ
مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ، وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ
اللهِ. أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ، وَ أَنَّ رَجَعْتُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا، يَوْمَ
لَا يَنْفَعُ نَفْسًا أِيْمَانُهَا، لَمْ تَكُنْ أَمَنَّا مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي أِيْمَانِهَا
خَيْرًا، وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَ أَنَّ نَاكِرًا وَ نَكِيرًا حَقٌّ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ
النَّشْرَ حَقٌّ، وَ الْبَعْثَ حَقٌّ، وَ أَنَّ الصُّرَاطَ حَقٌّ، وَ الْمَرْصَادَ حَقٌّ،
وَ الْمِيزَانَ حَقٌّ، وَ الْحَشْرَ حَقٌّ، وَ الْحِسَابَ حَقٌّ، وَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ
حَقٌّ، وَ الْوَعْدَ وَ الْوَعِيدَ بِبِهَا حَقٌّ.

يَا مَوْلَايَ شَقِيٌّ مَنْ خَالَفَكَ، وَ سَعِيدٌ مَنْ أَطَاعَكَ، فَأَشْهَدُ
عَلَى مَا أَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ وَ أَنَا وَلِيُّ لَكَ، بَرِيٌّ مِنْ عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ
مَا رَضِيْتُمُوهُ، وَ الْبَاطِلُ مَا أَسْخَطْتُمُوهُ، وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ

بِهِ، وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، فَ نَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَ خَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ بِرَسُولِهِ وَ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ بِكُمْ. يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَ آخِرِكُمْ، وَ نُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ، وَ مَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ. آمِينَ آمِينَ»

«سلام بر آل یاسین»، سلام بر تو ای دعوت کننده‌ی مردم به سوی خدا و پرورنده‌ی آیات او؛ سلام بر تو ای باب رحمت خداوند و حاکم و مدبّر دین او، سلام بر تو ای جان‌نشین خداوند و یاری کننده‌ی حقّ او، سلام بر تو ای حجّت خدا و دلیل و راهنمای اراده‌ی او، سلام بر تو ای تلاوت کننده‌ی کتاب خداوند و بازگو کننده‌ی مقصود آن، سلام بر تو در تمام لحظه‌های شب و در همه‌ی بخش‌های روزت، سلام بر تو ای باقی مانده‌ی (حجّت‌های) خدا در زمینش، سلام بر تو ای عهد و پیمان خداوند که آن را (از مردم) گرفت و آن را مورد تأکید قرار داد، سلام بر تو ای وعده‌ی الهی که خدا آن را ضمانت کرد، سلام بر تو ای پرچم برافراشته، و دانش ریزان و فراگیر، و فریاد رس و رحمت گسترده بر اساس وعده‌ای که دروغ نیست.

سلام بر تو آن وقتی که به پا می‌خیزی، سلام بر تو هنگامی که می‌نشینی، سلام بر تو آن هنگامی که

قرائت (قرآن) می‌کنی و آن را بیان می‌نمایی، سلام بر تو هنگامی که نماز می‌گزاری و قنوت می‌نمایی، سلام بر تو آن هنگامی که رکوع و سجود می‌کنی، سلام بر تو در وقتی که خدا را به یکتایی و بزرگی می‌ستایی، سلام بر تو آن هنگامی که حمد و ستایش و طلب بخشش می‌کنی، سلام بر تو آن هنگامی که صبح می‌کنی و شام می‌نمایی، سلام بر تو در شب آن هنگام که همه جا را تاریکی فرا گیرد، و در روز آن هنگام که روشنی‌اش جلوه‌گر شود. سلام بر تو ای امام مورد اعتماد و اطمینان، سلام بر تو ای جلودار و آرزو شده، سلام بر تو به سلام‌های گوناگون و فراگیر.

ای مولایم! تو را گواه می‌گیرم که من شهادت می‌دهم معبودی جز خداوند نیست، یگانه‌ای که شریکی ندارد، و این که محمد بنده و فرستاده‌ی او است؛ جز او و اهلش هیچ محبوبی وجود ندارد. و تو را گواه می‌گیرم ای مولای من که علی علیه السلام امیر و فرمانروای مؤمنان، حجت خداوند است، و امام حسن علیه السلام حجت اوست و امام حسین علیه السلام حجت اوست، و امام سجاد علیه السلام حجت اوست، و امام باقر علیه السلام حجت اوست، و امام صادق علیه السلام حجت اوست، و امام کاظم علیه السلام حجت اوست، و امام رضا علیه السلام حجت اوست، و امام جواد علیه السلام حجت

اوست و امام هادی علیه السلام حجّت اوست، و امام حسن
 عسکری علیه السلام حجّت اوست و گواهی می‌دهم که تو
 حجّت خداوند هستی. شما آغاز و پایان هستید، و
 رجعت و بازگشت همه‌ی شما به دنیا حقیقتی است
 که هیچ شک و تردیدی در آن راه ندارد؛ در آن روزی
 که ایمان کسی که از پیش ایمان نیاورده، یا در ایمانش
 خیر و بهره‌ای به دست نیاورده است، برایش سودی
 ندارد. (و اعتقاد این است که) به راستی مرگ حق
 است، و (دو فرشته‌ی قبر) نکیر و منکر حق هستند، و
 گواهی می‌دهم که پراکنده شدن از قبرها حق است و
 برانگیخته شدن موجودات (در روز قیامت) حق است،
 و به راستی که صراط (و راه بهشت) حق است، و
 مرصاد (و جایگاه مراقبت) حق است، و میزان (و
 سنجش اعمال) حق است، و گرد آمدن حق است، و
 حساب (روز جزا) حق است و بهشت و جهنم حق
 است، و وعده و بیم نسبت به بهشت و جهنم حق
 است.

مولای عزیزم! هرکس با شما مخالفت کند، بدبخت
 است، و هرکس از شما فرمانبری نماید، خوشبخت
 است؛ پس تو گواه باش بر آنچه تو را گواه گرفتم؛
 این‌ها در حالی است که من ارادت‌مند تو هستم و از

فصل پنجم: دعا برای تعجیل فرج ■ ۱۲۱

دشمنت بیزارم. پس اعتقاد دارم که حق و درستی همان چیزی است که شما از آن راضی باشید، و باطل و نادرستی چیزی است که شما نسبت به آن ناخشنود باشید، و کار خیر آن کاری است که شما دستور بدان داده‌اید و کار زشت همان است که شما از آن بازداشته‌اید. پس روان و جان من، ایمان به خدای یگانه‌ی بی شریک دارد و به فرستاده‌اش حضرت محمد ﷺ و به امیر مؤمنان حضرت علی ﷺ و به شما (اهل بیت)، ای مولای من! به اولین تا آخرین شما اعتقاد دارم و ایمان دارم و یاری‌ام آماده است برای شما، و دوستی خاص و اظهار محبت خالص من تنها برای شماست. برآورده کن ای پروردگار، برآورده کن ای پروردگار.



سوالات کزینهای

۱. وقتی امام حسن عسکری علیه السلام نور چشم خود را پس از ولادت در آغوش گرفتند، فرمودند: فرزندم! سخن بگو. سپس حضرت مهدی علیه السلام این آیه را تلاوت کردند: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» این آیه به داستان کدام پیامبر اشاره دارد؟

الف. حضرت ابراهیم علیه السلام

ب. حضرت موسی علیه السلام

ج. حضرت عیسی علیه السلام

۲. حضرت مهدی علیه السلام در حالی که در گهواره بودند، به کدام یک از اصحاب فرمودند: «خداوند به وسیله‌ی من، بلا را از شیعیانم دور خواهد کرد»؟

الف. بشر بن سلیمان

ب. سعد بن عبدالله قمی

ج. ابوبصیر

۳. امام حسن عسکری علیه السلام در ربیع‌الاول چه سالی به شهادت رسیدند و در آن هنگام، حضرت مهدی علیه السلام چند ساله بودند؟

الف. ۲۵۵ - پنج ساله

ب. ۲۵۵ - ده ساله

ج. ۲۶۰ - پنج ساله

۴. یکی از حکمت‌های غیبت، است، که از سنت‌های خداوند در مورد بندگان نیز هست.

الف. پاداش عمل نیک

ب. امتحان الهی

ج. نابودی ستمگران

۵. کدام یک از معصومین در پاسخ جابر بن عبدالله انصاری فرمودند: «شیعیان از وجود قائم بهره‌مند می‌شوند و به نور ولایتش روشنی می‌گیرند؛ همان‌گونه که مردم از خورشید پشت ابر بهره می‌گیرند»؟

الف. پیامبر اکرم ﷺ

ب. امیرالمؤمنین ﷺ

ج. امام حسین ﷺ

۶. امام جعفر صادق ﷺ فرمودند: «اگر زمین ساعتی

بدون..... بماند، از هم فرو می‌پاشد.»

الف. حجت

ب. ولی

ج. امام

۷. حضرت صاحب الزمان (عج) به کدام عالم بزرگ نامه

نوشتند که: «اگر شیعیان ما به راستی در راه وفای عهدی که

بر دوش دارند، همدل و هماهنگ بودند، هرگز سعادت

دیدار ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد و زودتر نصیب آنان

می‌شد؟»

الف. شیخ صدوق

ب. شیخ مفید

ج. شیخ کلینی

۸. رسول گرامی اسلام ﷺ که مؤمنان منتظر را برادران خود

می‌دانند، دلیل این نام‌گذاری را چه می‌فرمایند؟

الف. اظهار محبت به اهل بیت ﷺ

ب. فتنه‌های آخرالزمان

ج. دشواری دین‌داری در عصر غیبت

۹. خداوند در آیهی ۷۱ سورهی اعراف می‌فرماید: «منتظر باشید که من»

الف. پاداش بسیاری به شما می‌دهم.

ب. منتظران را دوست دارم.

ج. همراه شما از منتظرانم.

۱۰. آیهی «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» که محبت و

مودت اهل بیت علیهم‌السلام را به عنوان مزد رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مطرح

می‌کند، در کدام سورهی قرآن کریم است؟

الف. شوری

ب. محمد

ج. سبأ

۱۱. روایت «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ» که بر محبت و ولایت اهل

بیت علیهم‌السلام تأکید می‌کند، از کدام یک از امامان است؟

الف. امام محمد باقر علیه‌السلام

ب. امام جعفر صادق علیه‌السلام

ج. امام رضا علیه‌السلام

۱۲. امام عصر (عج) به شیعیان خود فرموده‌اند: «برای تعجیل

در امر فرج بسیار دعا کنید، زیرا.....»

الف. گشایش شما در آن است.

ب. فرج مرا نزدیک می‌کند.

ج. موجب خشنودی خداوند است.

۱۳. در مورد ویژگی‌های عصر ظهور، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «بدکاران هلاک می‌شوند و خوبان می‌مانند و کسی که باشد، نمی‌ماند.»

الف. ستمکار

ب. منافق

ج. دشمن اهل بیت علیهم السلام

۱۴. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه‌ی «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَنْزِلُ فِي الْأَرْضِ بَعْدَ مَوْتِنَا»، منظور از مرگ زمین را چه دانستند؟

الف. دوری از اسلام راستین

ب. کفر اهل زمین

ج. رواج بدعت‌ها

۱۵. امام صادق علیه السلام درباره‌ی رشد علوم در دوران حکومت حضرت ولی عصر (عج) فرمودند: «علم حرف است، که پیامبران دو حرف آن را آورده‌اند و قائم حرف دیگر را خواهد آورد.»

الف. ۷ - ۵

ب. ۱۷ - ۱۵

ج. ۲۷ - ۲۵

۱۶. بیش‌ترین یاوران حضرت مهدی (عج) از کدام شهر ایران هستند؟

الف. قم

ب. طالقان

ج. ری (و تهران)

۱۷. امام رضا علیه السلام در مورد کجا فرمودند: «هرگاه فتنه‌ای فراگیر

شد، به آنجا پناه ببرید، زیرا بلا از آن برداشته شده است؟

الف. قم

ب. خراسان

ج. ایران

۱۸. کدام گزینه، ویژگی یاران حضرت مهدی (عج) است؟

الف. بهره‌مندی از علوم

ب. شهادت‌طلبی

ج. هر دو مورد

۱۹. عبارت «اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ، وَالنُّورَةَ الْحَمِيدَةَ» جزء

کدام دعا است؟

الف. دعای بعد از نماز صبح

ب. دعای فرج

ج. دعای عهد

۲۰. این سلام که «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَانَ دِينِهِ» در کدام

یک از موارد زیر آمده است؟

الف. دعای عهد

ب. زیارت آل یاسین

ج. زیارت جامعه‌ی کبیره

پاسخنامه

الف	ب	ج	
			۱۱
			۱۲
			۱۳
			۱۴
			۱۵
			۱۶
			۱۷
			۱۸
			۱۹
			۲۰

الف	ب	ج	
			۱
			۲
			۳
			۴
			۵
			۶
			۷
			۸
			۹
			۱۰

نام و نام خانوادگی:

شماره شناسنامه:

تاریخ تولد:

میزان تحصیلات:

نشانی و شماره تلفن: